

اتحاد و مبارزه کارگران،

دهقانان و همه زحمتکشان آذربایجان

توطئه های سرمایه داری لیبرال را درهم خواهد شکست

در آن روزها که روشنفکران انقلابی طرفدار طبقه کارگر تمام توان خویش را در راه اعتلای انقلابی جنبش خلق گذاشته بودند، در آن روزها جناحی از ناراضیان، مرکب از سیاستمداران

میهن ما به پا خاسته و کمر به سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه و امپریالیسم جهانخوار بستند. در آن روزها که کارگران قهرمان میهن مافدا کارانه به اعتصاب های طولانی مدت دست زده، چرخ تولید سرمایه داری را از حرکت باز داشته بودند.

● برای عمق بخشیدن هر چه بیشتر مبارزه ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان، قدرت طلبی لیبرالهای ضد انقلاب را درهم بشکنیم.

خلق قهرمان آذربایجان در ماه های قبل از سقوط شاه در آن روزهایی که زحمتکشان

بقیه در صفحه ۱۰

توده ها و رفراوندوم

مردم در عمل نشان دادند که

بین مبارزه ضد امپریالیستی

و سیاست های ارتجاعی فرق می گذارند

رفراوندم قانون اساسی برگزار شد و همانگونه که پیش بینی می شد تلویزیون دولتی و سخنگویان رسمی و غیررسمی حکومت کوشیدند این توهم را پدید آورند که بیش از ۹۸ درصد مردم به این قانون رای مثبت داده اند. اما ببینیم واقعیت چه بود؟ مقامات مسئول از مدت ها پیش از برگزاری رفراوندم تلاش وسیعی برای کشاندن توده ها به پای صندوق های رای آغاز کرده بودند، انتخاب روزهای محرم نیز برای برگزاری رفراوندم کاملاً حساب شده بود. تبلیغات شبانه روزی حکومت، عوام فریبی های تلویزیون و استفاده از احساسات مذهبی مردم در روزهای محرم و در آستانه برگزاری رفراوندم به اوج خود رسید. علاوه رژیم کوشید تا از اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی توده ها نیز برای به تصویب رساندن قانون اساسی بهره برداری کند. گردانندگان تراژدی قانون اساسی مرتباً تلاش می کردند که "پیروزی" مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک توده ها را همان تصویب قانون اساسی قلمداد کنند. سخنگویان رسمی و غیررسمی حکومتی با استفاده از همه امکانات وسیع تبلیغاتی از مساجد و تکیا گرفته تا تلویزیون و روزنامه ها و تظاهرات و راهپیمائی ها، تلاش کردند این تصور را در توده ها پدید آورند که هر کسی با قانون اساسی مخالف است دشمن مردم است. آنها با اشاعه شعارهایی از قبیل "رای ما آری، نه رای امریکائی" یا "ما به قانون اساسی رای آری می دهیم. در نبرد با امریکا اسلام را یاری می دهیم" کوشیدند تا آنجا که ممکن است این توهم را بوجود آورند. کسی که اعتقادات مذهبی دارد باید به قانون اساسی رای مثبت بدهد و باین که رای به قانون اساسی همان مبارزه ضد امپریالیستی است. اما نتیجه چه شد. همه چیز از جمله سکوت دستگاه های تبلیغاتی دولتی در مورد نتایج رفراوندم، گویای شکست انتظاراتی است که برآورده نشد.

تقریباً نیمی از حوزه های اخذ رای تهران و شهرستان ها از همان روز اول رای گیری کساد بودند و نیم دیگر نیز مشتری چندانی نداشتند و در شلوغ ترین ساعات روز نیز یا اصلاحی در برابر صندوق ها تشکیل نمی شد و یا صف ها کوتاه بود و در بر جمعیت ترین شکل آن بیست و شش سی چهل نفر در صف نبودند. در روز دوم رای گیری اکثر حوزه ها مگس می براندند و در شلوغ ترین قسمت های شهر تهران مثل نازی آباد و امامزاده حسن هر جا صفی تشکیل شده بود، برای خرید بود درختشویی، نان و تخم مرغ و غیره بود. زندگی عادی مردم جریان داشت و هیچ جنب و جوشی در کنار صندوق ها دیده نمی شد، گوئی اصلاً رفراوندی در کار نبود، اما وزارت کشور جمهوری اسلامی در تهران اعلام کرد دو میلیون و سیصد و پنجاه هزار نفر به قانون اساسی رای داده اند. اگر این ادعا درست باشد باید در هر دو روز رای گیری از لحظه آغاز کار صندوق ها تا پایان آن مردم

بقیه در صفحه ۲

تحصن کارگران بیکار و مبارزه ضد امپریالیستی

اکنون میسم و آنارشیسیم

در حرف با هم دشمن اند، ولی در عمل دست همدیگر را

می فشارند

دست می زنند. آنها در اینکار به اشکال مختلف مبارزه رومی آورند ولی همانطور که بعد از قیام دیده ایم اشکال عمده مبارزه آنها تحصن و راهپیمائی بوده و هر زمان که

و برای کاستن از فشار زندگی و به دنبال یافتن کار به هر سوئی می روند و به هر اقدامی که بنابه درک خود درست تشخیص می دهند،

بیکاری یکی از مسائلی است که زائیده نظام سرمایه داری است و کارگران و نیروهای زحمتکش جامعه ما با آن دست به گریبان می باشند.

بقیه در صفحه ۳

چه کسانی می خواهند

رهبران جنایتکار امپریالیسم آمریکا را

دوست مردم

جا بزنند

به دنبال حملات "ادوارد کندی" بیکار تروسیاست پناه دادن شاه که در یک سفر انتخاباتی ایراد شده بود تلویزیون جمهوری اسلامی طی گفتار سیاسی در اخبار روز دوشنبه ۱۲ آذر تفسیری پخش کرد که هر چشم تیزبین سیاسی می توانست وابستگی و اهمیت این دستگاه تبلیغاتی را در لابلای کلمات آن بیابد.

در این گفتار کوشش شد "سناتور ادوارد کندی" "مرد شریف و منصفی معرفی شده و برای او محبوبیت تراشیده شود. در این گفتار به استناد گفته های "کندی" از جمله این گفته می توانیم دولت فعلی امریکا را بشناسیم. در حالیکه شخصی را می پذیرد که می خواهد به اینجا بیاید و با دهها میلیارد دلار پولی که از ایران دزدیده است، در وطن ما اقامت گزیند. "کوشش شد علت بحران در روابط ایران با امپریالیسم امریکا "خطاهای سیاسی کارتر" توصیف و تبلیغ شود. در این گفتار سعی شد علت اساسی دشمنی مردم ما با امپریالیسم امریکارا دوستی کارتر با شاه جلوه دهند تا زمینه برای

بقیه در صفحه ۹

در این شماره:

وقایع اخیر تبریز

ونقشه های ضد انقلابی سرمایه داران

در صفحه ۱۱

مستحکم باد پیوند مبارزاتی خلقهای ایران

پیام هیئت نمایندگی خلق کرد

به کنگره شوراهای روستائی ترکمن صحرا

در صفحه ۱۲

جاسوسان ارتش در خدمت

تصفیه نیروهای آگاه و مبارز در آموزش و پرورش

در صفحه ۱۳

گزارشی از مبارزات کارگران کارخانه دکتر عبیدی

کارگران با اتحاد خود

نقشه های کارفرما را نقش بر آب کردند

در صفحه ۶

انقلاب کیبیرا کتیر

به منزله آغاز و مقدمه انقلابات پرولتری سراسر جهان

لنین از فوریه تا اکتبر

در صفحه ۸

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به سازمان دانشجویان پیشگام به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

در صفحه ۷

هفتاد هزار کشته، صد ها هزار زخمی

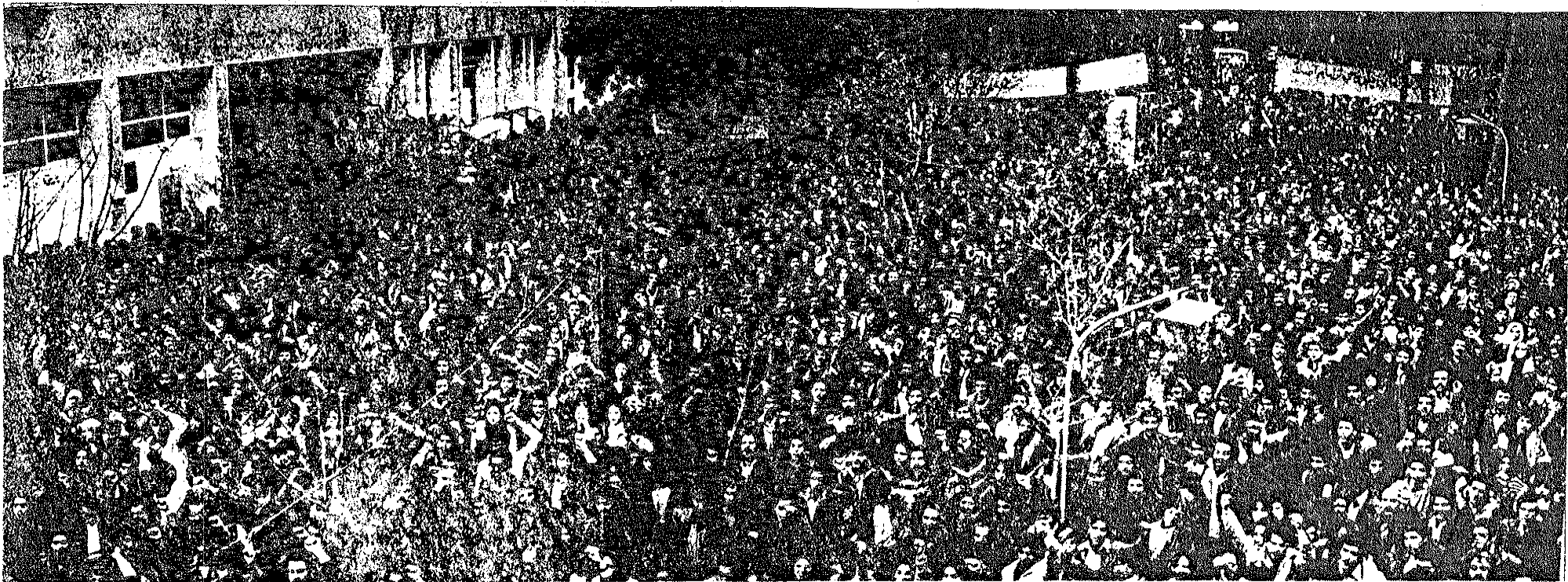
هرگز مباد سازش، هرگز مباد تسلیم

هزاران مکرو حیل می خواهند بر مصدر قدرت بنشینند، مصمم هستند که به قیمت پایمال کردن خون شهدا و نابودی ثمرات قیام، حکومت خود را بدین ترتیب ادامه دهند. قانون اساسی تصویب شده در مجلس خبرگان راه راستی چه می توان نام نهاد؟ قبل از اشاره به ماهیت ارتجاعی آن که خود به خود زمینه را برای وابستگی به سرمایه داری جهانی ورشدد

بقیه در صفحه ۴

به راستی خلق ما با این خون خود در جریان قیام چه هدفی را دنبال می کرد می کند؟ بیایید کمی به عقب برگردیم و به مرور آن ارزش های عالی بپردازیم که در طی قیام مثل درخت های پیی مشترک و تنومند در دل حرکت

عظیم توده ها ریشه گرفتند و سبز شدند. این ارزش ها به صورت کلماتی خونین، شبانه روز، بر سر هرکوی و هر برز از جنس هر میلیون ها فرد ستم دیده به فریاد درآمد. ولی آن هایی که با



صحنه‌ای از گردهمایی سازمان دانشجویان پیشگام در دانشکده پلی تکنیک به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

✱ کارگران صنایع چوب ایران با اتحاد خود در مقابل زورگوییهای کارفرما قاطعانه ایستادند.

کارخانه صنایع چوب ایران که بعد از قیام و فرار کارفرما به خارج توسط کارگران راه اندازی شده بود، بعد از بازگشت مجدد کارفرما و بالطبع آغاز زورگویی‌های دوباره او کارگران را بارها با مشکلات جدی روبرو کرده است. اخیراً در پی تهدید کارفرما، مبنی بر اخراج تعدادی از کارگران و کم کردن حقوق و مزایای کارگران که به بهانه نداشتن باز فروش صورت می‌گرفت، کارگران این واحد شروع به اعتراض و کم کاری کردند و از خروج کالای ساخته شده از کارخانه جلوگیری نمودند.

شورای کارگری کارخانه با همکاری و همگامی کارگران تصمیم گرفت که با گروه‌های دیگری که فراموشات از نمایندگان شورای انقلاب اسلامی بر خود سری‌های کارفرما لگام زده و در جهت جلوگیری از اخراج و کم کردن حقوق کارگران از کارفرما تضمین بگیرد. به همین منظور در تاریخ ۵ آذر از خروج کارفرما از کارخانه بعد از پایان کار، جلوگیری می‌کنند و برای حل و فصل قضایا از نمایندگان شورای انقلاب اسلامی دعوت می‌کنند که به کارخانه بیایند. پس از حضور نمایندگان وزارت کار، کمیته مرکزی پاسداران و نمایندگان شورای انقلاب اسلامی و پس از مباحثات فراوان سرانجام ۴ صبح روز بعد در پی فشاری کارگران و یکپارچگی که از خود نشان می‌دهند، کارفرما مجبور می‌شود که در مورد عدم اخراج و کم نکردن حقوق به کارگران تضمین بدهد. در این حرکت خانوادگی کارگران با حضور شبانه خود در کارخانه از خواست‌های عادلانه کارگران این واحد حمایت کردند. همچنین عده‌ای از کارگران دیگر واحدهای منطقه نیز از خواست‌های برحق کارگران پشتیبانی کردند.

توده‌ها و فراندوم

مردم در عمل نشان دادند که بین مبارزه ضد امپریالیستی و سیاست‌های ...

ضد امپریالیستی تاریخ را به نمایش می‌گذارد اما وقتی صحبت از تصویب قانون اساسی است به آرامی دست زد به سینه روحانیست می‌زند و با احترام می‌گوید اجازه دهید مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک را ادامه دهیم.

لیکن توده با آنکه اینک تا اندازه زیادی میان مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک و سیاست‌های ارتجاعی مرز می‌کشد، اما هنوز کمی زود است تا بتواند میان هدف‌های انقلابی خود و همه جنبه‌های سیاست‌های ارتجاعی قشری - و هدف‌های ضد انقلابی لیبرال‌هایی که لباس توده را می‌پوشند و حرف توده را تکرار می‌کنند به تمامی و با قاطعیت مرز بکشد.

سرنوشت قانون اساسی و ولایت فقیه از هم اکنون معلوم است. این قانون با محتوای مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک طبقه کارگر و زحمتکشان ایران منطبق نیست و در برخورد با واقعیت، با امواج خروشان جنبش ترقیخواهانه توده پیوسته سائیده خواهد شد و سرانجام فرو خواهد ریخت.

در این کشاکش لیبرال‌ها در کمین نشستند تا از هر فرصتی برای فریب توده و تحکیم سرمایه‌داری وابسته بهره‌برداری کنند.

سیاست مداران سرمایه‌داری لیبرال با آگاهی از مخالفت توده‌ها نسبت به قانون اساسی ارتجاعی مجلس خبرگان، از ماه‌ها پیش از برگزاری فراندوم، برای چنین روزهایی لباس عروسی دوخته‌اند. آنها مدت‌هاست که آماده شده‌اند لیبرالیسم ضد انقلابی خود را به جای دمکراتیسم انقلابی توده‌ها جا بزنند. لیبرال‌ها در این فکرند که با تکرار شعارهای توده‌هایی که از سیاست‌های ضد دمکراتیک و ارتجاعی سرخورده می‌شوند آنان را بر ضد خودشان بشورانند و خون آنان را وسیله تحکیم سرمایه‌داری وابسته قرار دهند و در بستری که از خون شهدای ایران گلگون است "دور از چشم اغیار" عروس سرمایه‌داری را در آغوش بکشند.

وظیفه کمونیست‌ها و سایر نیروهای ترقیخواه روشن است. باید صفوف خود را در برابر سرمایه‌داری و امپریالیست‌های حامی آن فشرده تر کنیم، در آگاهی و شکل توده‌ها بکوشیم و با افشای قاطعانه احزاب، محافل و عناصر وابسته به سرمایه‌داری، آنان را از صفوف جنبش طرد کنیم.

✱ اگر قبول کنیم که حوزه‌های اخذ رای روزی ۱۴ ساعت و به مدت ۲ روز دایره بوده‌اند، با محاسبه زیر زمان ۷۰ ثانیه به دست می‌آید.

$$\frac{20350000}{2600 \times 2 \times 14} = 20350000$$

$$x = 70/2 \text{ ثانیه}$$

مدام و بی وقفه در حال رای دادن می‌بودند و در هر ۷ ثانیه ۱۶۵۰ رای در ۱۶۵ حوزه به صندوق‌ها سرازیر می‌شد. اما وقتی از همان روز اول به شهادت همه مردم ایران حوزه‌های رای گیری تا بدان حد خلوت بوده باید از کارگردانان ترازوی قانون اساسی پرسید این رای‌ها را چه کسانی و کی به صندوق‌ها ریخته‌اند؟ البته پاسخ این سؤال را مردم ایران می‌دانند. لیکن از پاسخ دقیق و جزئی به جزء این سؤال فقط خود حضرات کارگزاران قانون اساسی باخبرند.

فراندوم قانون اساسی در برخی از مناطق پر جمعیت کشور مثل کردستان به کلی تحریم بود و در بسیاری از نقاط دیگر نیز بخش‌های عظیمی از مردم آن را تحریم کردند.

بعلاوه کسانی هم که به قانون اساسی رای دادند صرفاً تصور می‌کردند که این قانون منافع مردم را تامین می‌کند و در جهت مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک مردم ایران است. اکثریت رای دهندگان روحشان از محتوای قانون خیر نداشت. آنها اغلب رای به قانون اساسی را انجام فریضه دینی واجبات امر می‌پنداشتند از مصاحبه‌های تلویزیونی که فقط نظرات رای دهندگان به قانون اساسی را منعکس می‌کردند به خوبی معلوم بود که اغلب مصاحبه کنندگان نمی‌دانستند که این قانون مقایر منافع آنهاست. آنها در پاسخ به این پرسش که آیا اصول قانون اساسی آشنایی دارید یا خیر جواب منفی می‌دادند و وقتی سؤال می‌شد پس چرا رای مثبت می‌دهید می‌گفتند "چون امام خمینی رای مثبت می‌دهد ما هم رای مثبت می‌دهیم" و یا "چون اگر این قانون بد بود، امام آن را تأیید نمی‌کرد".

بنابراین اغلب آنها بی‌هم‌که رای مثبت داده‌اند، مثل کسانی که فراندوم را تحریم کرده‌اند، خواستار تحقق اهداف مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک جنبش هستند.

با توجه به همه این حقایق می‌توان به جرات پذیرفت که بیش از نیمی از ۲۳ میلیون حائزان شرایط شرکت در فراندوم به پای صندوق‌ها نرفتند و عملاً اکثریت مردم ایران با تحریم فراندوم بر قانون اساسی مجلس خبرگان مهر ابطال زده و بدین سان شکست سیاست کهنه پرستانه و فریب توده را اعلام کردند. توده باردیگر و با صدایی رساتر از پیش افسانه ۹۸ درصد دنباله رو ویکی دودرصد مخالف را در هم شکست. توده با صدای بلند اعلام کرد که من آگاه‌تر از آنم که قشربون تصور می‌کنند. توده به زعم تهدیدها و جیباندن برجسب‌های ناچسب قشربون و عوام‌فریبی‌های "ضد توده‌ای‌های" ما آری گو که می‌گفتند هر کس رای ندهد امریکایی است گول نخورد و مرعوب هم نشد. توده میان مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک و گرایش‌های ارتجاعی مرز کشید. توده برای حمایت از تسخیر مرکز جاسوسی امپریالیسم امریکا، از افسر کارخانه‌ها، از اعماق دهات، از چهار گوشه ایران یکپارچه، با مشت‌های گره کرده و غریب شور و شغف بیرون ریخت و می‌ریزد و بزرگترین تظاهرات

صلح دمکراتیک در کردستان باید به نفع زحمتکشان ایران برقرار شود

نامه‌های از دهکده کتابفروشی‌های خیابانی به نشریه "کار":

آقای شهردار تهران! از کدام مردم حمایت می‌کنید؟

آقای این مردم، به اصطلاح انقلابی همان شاکیان مسود حمایت شما نیستند؟

در زمان طاغوت می‌گفتند به زیبایی شهر لطمه می‌زنید و نباید در مسیر مهمانان خارجی بساط پهن باشد و حالا شما می‌خواهید به نام مردم انقلابی شهر همان شیوه کهنه راه کار ببرید.

تعجب ما در این است که چطور شما این پشتکار در رژیم گذشته شهردار تهران نشدید.

در پایان ماهم به شما اخطار می‌کنیم که دیگر اجازه نخواهیم داد دبرای خوشایند مهمانان خارجی وزیائی شهروندانمان گرسنه بخوابند.

صاحبان بساط، دکمه و کتابفروشی‌های خیابان‌های مصدق - آزادی - انقلاب - جمهوری اسلامی.

آقای شهردار تهران در روزنامه اطلاعات (دوشنبه ۵ آذر ۵۸) خطاب به بساطی‌های کنسار خیابان و دهکده داران می‌گویند که مردم از شما شکایت کرده و خواستار برچیدن بساط‌ها شده‌اند و تهدید می‌کنند که در صورت عدم توجه به اخطار شهرداری، مردم انقلابی شهر و شهرداری تهران ملزم به انجام وظایف قانونی و شرعی خود خواهند شد.

باید از آقای شهردار پرسید، این مردمی که شکایت کرده‌اند آیا همان صاحبان لوکس‌فروشی‌های خیابان مصدق و غیره... هستند یا مشتریان این بساط‌ها و دهکده‌های کنسار خیابان‌ها؟ اگر این شاکیان مشتریان بساط‌ها نیستند نمی‌توانند باشند پس شما به حمایت از کدام مردم می‌خواهید بساط‌ها را به هم بریزید آن هم به کمک مردم انقلابی شهر؟

سرمایه‌داری وابسته به دست زحمتکشان ملی باید گردد

ارقام و اطلاعات مربوط به کلیه قراردادهای کامپیوتری اعم از خرید، اجاره، تعمیر و نگهداری و طرح سیستم‌ها و غیره... شده است.

در شرایطی که دولت مذاکره با انحصارات را به عنوان راه حل انقلابی حامی زیند وظیفه کلیه نیروهای انقلابی و مترقی است که با افشای قراردادهای غارتگرانه مشابه با انحصارات امپریالیستی و ماهیت ضد خلقی این قراردادها با رسوا نمودن سرسپردگان امپریالیسم، با لغو این قراردادها ملی کردن و مصادره اموال انحصارات امپریالیستی توسط شوراهای کارگران و کارکنان این موسسات در راه قطع کامل سلطه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم‌گام بردارند.

به حیب انحصارات امریکائی سوازی می‌گردد.

شورای کارکنان... با اعلام این که در عرض ۵ سال استفاده از کامپیوترهای استیجاری موجود در این وزارتخانه مبلغی بمراتب بیشتر از بهای واقعی آن بایست اجاره به شرکت آی بی ام پرداخت شده است می‌گوید.

"از آنجا که کمیسیون انفورماتیک نخست وزیری در طی ۹ ماه گذشته نه تنها با اقدام انقلابی و فاطح به این تاراجگری پایان نداده، بلکه گویا مشغول مذاکره با کمپانی‌های وابسته به امپریالیسم برای راضی کردن آنها می‌باشد... خواستار ملی کردن کامپیوترهای استیجاری از طریق مصادره و لغو قراردادهای مربوطه و افشای

شورای کارکنان خدمات ماشینی انفورماتیک وزارت آموزش و پرورش در طی بیانیه‌ای به افشای ماهیت غارتگرانه کمیسیون قراردادهای پرداخته است که در دوران حکومت ننگین رژیم پهلوی بر کشور ما تحمیل گشته است و هنوز به قوت خود باقی است. در قسمتی از این بیانیه آمده است که "در کشور ما هم اکنون در حدود ۴۰۰ دستگاه کامپیوتر وجود دارد... و در حدود ۸۵ درصد کامپیوترهای موجود در اختیار سازمان‌های دولتی است که متجاوز از ۷۰٪ آنها به صورت استیجاری می‌باشد. روی هم رفته روزانه بیش از یک میلیون دلار (سالانه نزدیک به ۴۰۰ میلیون دلار) تنها بابت اجاره هزینه تعمیر و نگهداری این کامپیوترها

تحصن کارگران بیکار و مبارزه ضد امپریالیستی

اکنون میسم و آنارشیسیم در حرف با هم دشمن اند...

بقیه از صفحه ۱

جنبه‌های مبارزه کارگران به مبارزه اقتصادی آنها به طور مشخص و به مبارزه سیاسی آنها به طور مجرّد می‌پردازد، خواهان تحصن کارگران بودند. جالب توجه است که این دو گروه یکی با تفکر اکونومیستی و دیگری با تفکر آنارشستی در این مورد به روش مشابهی می‌رسند. هر دو این گروه موفق شدند که کارگران بیکار را در آن مقطع از مبارزه سیاسی ضد امپریالیستی جاری دور کرده و بیگانگی کارگران بیکار را از سیاست پر دوام تر سازند. این زبان تنها به این خاطر نیست که کارگران از صحنه مبارزه سیاسی دور نگذاشته می‌شوند، همچنین به خاطر این نیز می‌باشد که بدینوسیله زده خورده بورژوازی و توده کارگران را دامن زده و در نتیجه وحدت این متحد طبقه کارگر در مبارزه ضد امپریالیستی را مشکل تر می‌سازد. خورده بورژوازی بنا بر ماهیت دوگانه و نوسانی خویش و خصالت تنگ نظری اش همه شرایط لازم را دارد که از مسیر اصلی مبارزه منحرف شود. زمانی که توده‌های خورده بورژوازی و جناح سیاسی آن در حاکمیت در مبارزه با امپریالیسم آمریکا و بورژوازی وابسته به لیبرال‌ها درگیر است و بطور طبیعی انتظار پاری فعال و نامحدود پروولتاریا را در این نبرد دارد، وظیفه کارگران و نمایندگان سیاسی آنهاست که از این مبارزه ضد امپریالیستی حمایت کنند. زمانی که چنین حمایتی نمی‌شود بطور طبیعی کارگران ناآگاه را متهم به امریکائی بودن می‌کنند.

توان جنبش ضد امپریالیستی پراکنده شده و از این امر جز نمایندگان گوناگون بورژوازی سود نمی‌برند. در این انحراف هم خصالت طبقاتی خورده بورژوازی و گرایش‌های غیر پروولتاری کارگران بیکار و هم انحراف سیاسی - ایدئولوژیک دوستداران ناآگاه طبقه کارگر بنا بر اهمیت خویش مقصر می‌باشند.

بر ضد انقلابند... "بازرگان سازشکار، همسراهِ برزینسکی، ترضد انقلابی" "کارگران، اتحاد بر علیه آمریکا" "کارگرو زحمتکش دشمن امپریالیسم" "سرمایه دار مزدور نوکرامپریالیسم" "کاراگر ایجاد نشه، آمریکا اگر اخراج نشه، وعده مو وعیدنون نمیشه"

"اقتصاد وابسته عامل هر بیکاری" بحث‌های شدیدی در گرفت. طوفان از ان اشرف خواهان گروگان گرفتن کارمندان وزارت کار بودند. برای آنها مهم این مسئله بود که هر طور شده درگیری ایجاد کنند. با پاسداران ناآگاه، با کارمندان وزارت کار، با شیشه‌های ساختمان، خلاصه با هر چه در اختیار داشتند، خشم خود را ظاهر کردند. آنها فارغ از این اندیشه که جو عمومی ضد امپریالیستی سراسر کشور را فرا گرفته و ضرورت پیوند خاص اقتصادی بیکاران با مبارزه ضد امپریالیستی توده به امر حساس و فوری بدل شده بود، ظاهر به نمان مورد احتیاج بیکاران فکری کردند و سیاست تحصن طولانی و همراه با زد و خورد و گروگان گیری کارمندان را مصادره تأیید می‌نمودند. سیاست اصولی در این مورد این بود که کارگران بیکار می‌بایستی ضمن راهپیمائی به وزارت کار، مبارزه با امپریالیسم و مبارزه برای تامین کار را در شعارهای خویش به شیوه اصولی تلفیق کرده و چکیده می‌کردند و پس از رسیدن به وزارت کار و خواندن قطعنامه‌ای حاوی تلفیق ذکر شده، راهپیمائی خویش را به سمت سفارت امریکا ادامه می‌دادند و در مقابل سفارت قطعنامه‌ای متکی بر ضرورت شرکت عملی کارگران به ویژه کارگران بیکار در مبارزه ضد امپریالیستی توده‌ها و ضرورت مبارزه برای حقوق از دست رفته بیکار صادر می‌نمودند. از طرف دیگر اکونومیست‌های خط سه از آنجا که همواره جنبه اقتصادی مبارزه کارگران را در مد نظر دارد و از همه

اقتصادی کارگران تأکید می‌کردند و برای اینکار حاضر بودند (همچنانکه با آن موافقت کردند) صرف نظر از آنکه جو عمومی مبارزاتی جامعه درجه جهتی سیر کند، کارگران را به تحصن بی‌موقع و طولانی مدت بکشانند. گروه اشرف با این استدلال که ما به نمان احتیاج داریم، و باید حرکت کنیم و در کشورهای نظیر ایران ایجاد تشکیلات اتحادیه‌ای برای کارگران ناممکن می‌باشد، مایل بودند که پشت هم حرکت کنند تا حاکمیت را به تنهایی و با شیوه‌های غیر علمی و بدون شکل آگاهانه پروولتاریا سرنگون نمایند. به همین دلیل با کوشش اصولی عده‌ای که می‌کوشیدند کارگران بیکار را پس از بازگشتی خانه کارگر در سندیکیای مربوطه مشکل سازند مخالفت می‌کردند. اینها با همین درک خورده بورژوازی خویش از مبارزه کارگران با "زارع" نمایند وزارت کار در روز ۱۴ آبان بر خورد می‌کردند. آنها به جای آن که برای کارگران بیکار توضیح دهند که مبارزه آنها با طبقه سرمایه‌دار است، به چنان برخوردی با نمایندنده وزارت کار پرداختند که گویا دشمن اصلی کارگر این شخص می‌باشند سیستم سرمایه‌داری و طبقه سرمایه‌دار. به همین جهت جو را چنان متشنج نمودند که نماینده وزارت کار به یاری بخت خویش بدون کمک خوردن از خانه کارگر رفت. روز ۲۱ آبان نمایندگان تصمیم می‌گیرند که برای شنیدن جواب خود به وزارت کار بروند. آنها در حالیکه شعار می‌دادند، به طرف وزارت کار حرکت کردند. در مقابل وزارت کار پاسدارها ضمن عقب‌نشینی تیراندازی هوائی کردند با وجود این تظاهر کنندگان پس از گذشتن از توده‌های وزارت کار وارد ساختمان شده و متحصن شدند.

بیکاران در جریان راهپیمائی خویش شعارهای زیر را می‌دادند. "به گفته بازرگان، کارگران بیکار،

۲- حق بیمه بیکاری
۳- دفترچه بیمه درمانی برای کارگران و خانواده آنها
۴- تحویل خانه کارگر

کارگران بیکار در روز ۱۴ مهر در مقابل وزارت کار جمع شده و برای مذاکره با وزیر کار (اسپهبدی) هیئت نمایندگی متشکل از ۷ نفر تشکیل دادند و با وزیر کار از کارگران خواست که دو هفته بعد مراجعه کنند تا به آنها جواب دهد. ولی وزیر در موعد مقرر جواب نداد و کارگران قرار گذاشتند که روز ۵ آبان جلوی وزارت کار جمع شوند و اگر وزارت کار، خانه کارگر را تحویل نداد خود به اشغال خانه کارگر اقدام کنند که این اقدام روز ۵ آبان انجام می‌گیرد در همان روز نام نویسی برای سندیکیای اصناف آغاز می‌شود. در تاریخ ۷ آبان ماه به دنبال دعوتی که شده بود حدود ۵۰۰ نفر در خانه کارگر جمع شده و پس از خواندن پیام پشتیبانی کارگران بعضی از کارخانه‌ها، قرار می‌گذارند که ۱۴ آبان برای شنیدن گفته‌های نماینده وزارت کار در خانه کارگر جمع شوند.

آنچه در این حرکات چه در روز ۱۶ مهر شورای روشنفکری از بالا درست شده "اتحادیه سراسری کارگران ایران" روز ۲۴ مهر به دعوت اکونومیست‌ها تحت عنوان کارگران بیکار تهران در مقابل وزارت کار تجمع صورت می‌گیرد. درک خورده بورژوازی این دوستان از مبارزات کارگری پس از بازگشتی خانه کارگر در ۵ آبان در مباحثات آن روز آشکارتر بیان می‌شود. این مباحثات نشان داد که پروولتاریای ایران تا چه حد نیازمند تشکیلات آگاهی سیاسی - ایدئولوژیک است ولی بر خورد دوستان اکونومیست و چپ‌اندیشان طرفدار اشرف فرسنگها از این نیاز مبرم پروولتاریای ایران به دور است. اکونومیست‌های خط ۳ و در راس آنها بیکار فقط برخواست

کوشش‌های آنها در مذاکره با مقامات مسئول به نتیجه نرسیده است، به ناچار به تحصن و راهپیمائی دست زده‌اند. آنها در اکثر موارد از یاری هواداران ناآگاه یا ناآگاه خویش در این اقدامات برخوردار بوده‌اند. از آنجا که آگاهی سیاسی توده کارگران بیکار پایین بوده و انحرافات سیاسی - ایدئولوژیک هواداران ناآگاه آنها عمیق می‌باشد، ما شاهد جنبه‌های منفی در کنار جنبه‌های مثبت از نظر منافع پروولتاری در حرکات آنها می‌باشیم.

بر خورد با جنبه‌های منفی ضروری است به ویژه وقتی که بعضی از حرکات مشخص آنها، نظیر تحصن در وزارت کار در تاریخ ۲۱ آبان ۵۸، ضربات سیاسی بزرگی به کارگران بیکار وارد می‌کند. اتخاذ سیاست درست مبارزاتی در مورد دیپلمه‌ها و کارگران بیکار از ماه‌های شناختن ریشه‌های بیکاری کارگران و خصوصیات خود کارگران بیکار است. به همین جهت این موارد برای کارگران بیکار پیشرو باید روشن باشد.

اگر توجه کنیم که کارگران بیکار زیادی وجود دارند که مجبورند که به ناچار زندگی خویش را تماماً در کار مزدوری کردن و دستفروشی و کار روزی زمین بگذرانند، اگر به این خصوصیات فشار شدید زندگی و درک ضعیف آنان از مسائل سیاسی و ضرورت تشکیلاتی را بیفزاییم متوجه خواهیم شد چگونه همه شرایط مناسب فراهم می‌شود تا حرکات کارگران بیکار تحت تاثیر انحرافات سیاسی - ایدئولوژیک گروه‌های نظیر بیکار و امثالهم و گروه اشرف دهقانی به انحراف کشیده شود. بر پایه چنین زمینه‌ای حرکت کارگران بیکار در ۱۴ مهر به دعوت کارگران بیکار تهران آغاز شد. خواست کارگران بیکار عبارت بود از:

۱- ایجاد کار بدون سرمایه امپریالیستی

۴۸ ساعت کار طاقت فرسا در کاخ خانه‌ها با وجود کم‌ساعتی تقاضای بیکاری

هفتاد هزار کشته، صد ها هزار زخمی هرگز مباد سازش، هرگز...

بقیه از صفحه ۱

دیکتاتوری فراهم می کند، لازم است به کارنامه نه ماهه حاکمیت سیاسی بعد از قیام که قانون اساسی نتیجه آن است نظری انداخته شود. در آغاز پیروزی بردیکتاتوری شاه، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و سایر نیروهای ترقیخواه خواستار ایجاد ارتش خلقی و اداره امور توسط شوراهای واقعی شدند. دولت و شورای انقلاب بر سر ایفای عناصر سرکوبگری پافشاری می کردند. شاید آن روزها ماهیت چنین کاری برای توده ها روشن نبود. اما همین طور که زمان می گذشت و جناح وابسته به سرمایه داری جهانی امکاناتی برای عمل پیدامی کرد، عوامل فشار و سرکوب در جامعه شروع به رشد کردند و این خود کم و بیش توده را متوجه آنها کرد. از یک طرف برای جلوگیری از رشد و اتحاد کارگران نیروی ویژه سازمان دادند و قانون های ویژه به نفع کارفرما تصویب کردند و از طرف دیگر فرمان سرکوبی خلق های ایران را دادند. وقتی مردم پرچم امریکا را می سوزانند، بعضی از وزرای کابینه بازرگان در پشت پرده و آشکارا به سازش با امریکای خون آشام مشغول بودند و از روابط حسنه فی مابین سخن می گفتند. وقتی خلق مادر انتظار افساسی قرارداد های ظالمانه رژیم پیشین با امپریالیسم جهانی بود، اسناد رسوا کننده در آرشیوهای وزارت خارجه محل امنی یافت و خلق هنوز که هنوز است از آن بی اطلاع است. عوامل امپریالیسم از قبیل چمران ها، آتش و خون نثار خلق کرد می کنند و مدعی ها با همدستی شیوخ مرتجع، فرزندان بیگانه خلق را به جوخه های آتش می سپارند. به راستی حاکمیت موجود با چنین اعمالی در برابر داور قاطع خلق چه پاسخی خواهد داشت؟ اکنون قانون اساسی حاصل چندین ماهه نشست و برخاست خیرگان، در معرض قضاوت عموم است. قانونی که برای تدوین آن حاکمیت موجود به شرحی که گذشت عملاً در برابر توده های ستم دیده ایستاد و ماهیت خود را افشا کرد، تردیدی نیست هر قانونی که به این شکل تصویب شود جز چماقی علیه آزادی و دموکراسی هیچ چیز دیگری نمی تواند باشد. ما از دین نظر این قانون را مورد مطالعه قرار می دهیم.

بناگاهی به یکایک اصل های این قانون بیش از هر چیز ماهیت ارتجاعی و ضد دموکراتیک آن که در نهایت در خدمت سرمایه داری قرار می گیرد، چشم می خورد. مردم جمهوری می خواستند، یعنی از حکومت استبدادی و موروثی نفرت داشتند اما با ذقت دراصل ۱۵۷ دونتیجه حاصل می شود. ۱- عملاً مادام العمر بودن رهبری را تثبیت می کند. ۲- رهبری در طول تاریخ کشور در انحصار قشر روحانیت است. یعنی به نوعی در این قشر

موروثی است (هر چند که عملاً به مرحله اجرا در نخواهد آمد) در اصل های دیگری خوانیم که شرح و تفسیر قوانین و تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با احکام اسلام و عدم تعارض آن ها با قانون اساسی همه بر عهده شورای نگهبان است. وقتی انتخاب شورای نگهبان طبق اصل نود و یکم و اصل انتخاب عالی ترین مقام قضایی کشور در بند ۲، همه به عهده فقیه باشد راستی نهاد های دموکراتیک را در کجای قانون اساسی باید جستجو کرد؟ با این شکل برای مقام رهبری هیچ حد و مرزی وجود ندارد، می تواند بد باشد می تواند خوب، می تواند دیکتاتور و ستمکار باشد، می تواند ظاهر -

الصلاح. با مطالعه در مبحث سوم راجع به ارتش و سپاه پاسداران انقلاب، با عباراتی کلی از قبیل ارتش مردمی، مکتبی، اسلامی برخورد می کنیم. در این جا اصلاً صحبتی از بازسازی و دگرگونی در کیفیت ارتش نمی شود. می گوید "هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی شود" خیرگان "محترم" فکرمی کنند در زمان شاه خائن، مستشاران خارجی عضو ارتش ایران بودند. وقتی خرید سلاح های وابسته منوط به تصویب آن در مجلس باشد پس ورود کارشناس هم نمی تواند احتمالی بی اساس باشد. چون بالاخره هر اسلحه ای احتیاج به آموزش آن دارد.

در بند ۸ از ماده ۴۳ برای جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور، فقط به کلی گویی پرداخته و هیچ راه عملی برای قطع سلطه انحصار ارضین المملتی را مطرح نمی سازد. در اصل ۴۴ می گوید. نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش ۱- دولتی ۲- تعاونی ۳- خصوصی نهاده شده است. در کجای این نظام اقتصاد وابسته به امپریالیسم نفی شده است؟ دولتی کردن صنایع بزرگ (که وابسته است) و بعد خصوصی کردن بخشی از آن، جز تقسیم سود بین سرمایه داران وابسته هیچ معنای دیگری نمی دهد. آیا توده های مردم قیام کردند تا بخشی را که در سود گیلان شریک نبودند به مال و منالسی برسند. وقتی امپریالیسم برای حفظ وابستگی اقتصادی است که در کشورهای فقیر اعمال نفوذ می کند، چرا قانون اساسی باید به این اصلی ترین و فوری ترین شعار قیام پشت کند؟ آیا حفظ منافع جناح وابسته به امپریالیسم نیست که آنها را به چنین دور اندیشی کشانده تا هر طور که بتوانند راه نفوذ مردم را در امر حاکمیت بر سر نوشت خود سد کنند.

نمی خواهد چندان دور برویم هم اکنون در خیابان های تهران و شهرستان ها، فریاد پر قدرت مرگ بر امریکا طنین انداز است، قانون اساسی چگونه می تواند پاسخگوی چنین فریادهای اصلی



خلق کرد با جنگ و دندان از وحدت سیاسی و سازمانی خود دفاع می کند

جمعیته کردهای مقیم مرکز روز پنجشنبه ۱۵ آذر پس از گذشت سه ماه از آخرین جلسه خود، جلسه عمومی داشتند. در این اجتماع پر شور بار دیگر از خاطرات قهرمانی خلق کرد و جانبازی پیشمرگان و پایداری سازمان های سیاسی کردستان یاد شد و به فرصت طلبان، سیاست پیشه گان و تفرقه جویان هشدار داده شد. در ابتدای این مراسم سرود ملی "آه زقیق" به طور دسته جمعی خوانده شد و سپس گزارش شورای جمعیت کردهای مقیم مرکز قرائت گردید. در قسمتی از این گزارش آمده است. "درود بر پیشمرگان کرد که با خون خود آزادی را بر صخره های کوهستان های کردستان نشانند. درود بر همه رزمندگان و مبارزین راستین خلق کرد."

هموطنان! خلق کرد در طول جنگ تحمیلی، تعدادی از بهترین فرزندان خود را از دست داد. این فرزندان در بیدادگاه های قرون وسطایی و پادشاهان بیمارانی فانتوم هابه قتل رسیدند. در این میان بسیاری از جوانان نا آگاه که فریب مرتجعین را خورده بودند کشته شدند، که مسئولیت خون آنها به عهده مرتجعین و خائنین است که آتش جنگ تحمیلی را در کردستان شعله ور کردند. در طول این مدت ارتجاع دست به وحشیانه ترین حملات زد و حتی به کودکان و زنان نیز رحم نکرد اما صفوف فشرده خلق کرد و پایداری آنها در برابر این هجوم، توطئه ها را نقش بر آب کرد. جمعیت کردهای مقیم مرکز در این مدت به تلاش خستگی ناپذیر و به پشتیبانی همه جانبه از خلق خود ادامه داد و در این راه از بسیاری سازمان ها و گروه های مترقی و به ویژه سازمان چریک های فدایی خلق ایران برخوردار بود.

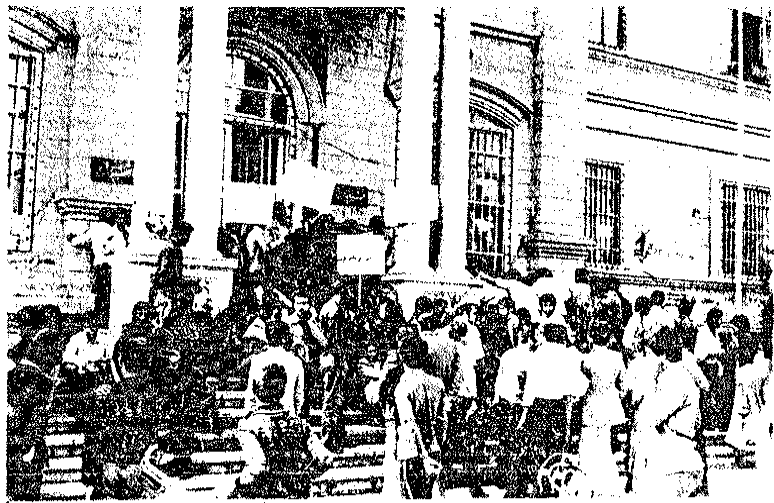
در قسمت دیگری از این گزارش ضمن هشدار به فرصت طلبان چنین آمده است. "خلق کرد همواره برای به دست آوردن صلح عادلانه بر اساس خواست های برحق مردم کردستان ایران آماده بوده است

نماینده مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است

پشتیبانی از هیئت نمایندگی خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است

گزارشی کوتاه از قائم شهر (شاهی)

راهپیمائی و تحصن دهقانان قریه سید محله



کشاورزان قریه سید محله در نزدیکی کیاکلا (از توابع قائم شهر) سالهای پیش بخشی از اراضی جنگل را آباد کرده و قابل کشت و بهره برداری کرده اند. اما پس از آماده نمودن زمین یکی از مالکین با همدستی زاندارم هایه زور سرنیزه این اراضی را از دست دهقانان به درآورد و آنان را به عنوان کارگر به بند استثمار کشید. پس از قیام بهمن ماه این کشاورزان که تصویری کردند دیگر از قید ظلم و ستم رستفاند و به امید این که دولت از آنان حمایت کند ۷۳ هکتار از این زمین ها را که در اصل به خودشان تعلق داشت زیر کشت بردند. (این مالک جمعا بالغ بر ۲۰۵ هکتار زمین دارد) فرماندار وقت نیز زیر فشار دهقانان مجبور شد این عمل را تأیید نماید. ولی به هنگام برداشت محصول توسط کشاورزان سروکل رئیس پاسگاه

پیاد شد. او می گفت: "به موجب حکمی که مالک از کمیسیون ۵ نفره دارادین زمین به او تعلق دارد." (کمیسیون ۵ نفره بعد از قیام که به اصطلاح برای حل مشکلات زمین ایجاد شد هر چه از زمان قیام می گذرد ماهیت ضد مردمی آن نمایان می شود) نمایندگان کشاورزان به اداره کشاورزی رفتند و کمیسیون ۵ نفره در این مورد توضیح خواستند. کمیسیون ۵ نفره که قبلا از طرف کشاورزان سایر دهات اطراف تهدید شده بود

ومی ترسید مبادا این بار هم این موضوع باعث اعتراض شدید بشود، (تا قبل از این موضوع چندین بار دهقانان اطراف کیاکلا به اعتراض در شهر تظاهرات کرده بودند) حکم را پس گرفت. ولی وقتی کشاورزان مجدداً برای برداشت محصول سرزمین های خود رفتند دوباره رئیس پاسگاه آمد و از برداشت محصول جلوگیری کرد. کشاورزان از این عمل خشمگین شده و روز بعد به شهر رفته و به کمیسیون ۵ نفری مراجعه می کنند. در کمیسیون حاجی باقری عضو مهم آن که خود از سرمایه داران شهر است به کمک یکی از روحانیون مرتجع به آنها می گویند که اگر با مالک سازش نکنید و نصف محصول را بخواهید، با پاسداران و سرنیزه و ۳-۳ مواجه هستید. کشاورزان که از مراجعات خود نتیجه ای

نبرفته بودند روز پنجشنبه صبح در شهر به راهپیمائی پرداختند و در جلوی فرمانداری متجمین شدند. در طول راه پیمائی شعارهایی از قبیل: "درود بر کارگر، متحد بزرگ" "مالک نابود است، دهقان پیروز است" "زرگ بر باقری، حامی مالکان" "زرگ بر سرمایه دار، درود بر کارگر" می دادند. در این مدت فرماندار و سایر مقامات از صحبت کردن با دهقانان خودداری کردند و حاجی باقری بلافاصله پس از فهمیدن مسئله راهپیمائی اعلام استعفا کرد. دهقانان که از راهپیمائی و تحصن خود نیز سودی نبردند تنها چاره را در این دیدند که به قریه بزرگروند و به زور هم که شده محصول را برداشت کنند و این تصمیم با همه حاضرین در تحصن در میان گذاشته شد و مورد تأیید هم قرار گرفت.

چرا کشاورزان ما باید

وام آریامهری اصلاحات ارضی را بپردازند

۱۶ سال قبل، رژیم سرسپرده پهلوی، برای جایگزین کردن هر چه بیشتر روابط سرمایه داری وابسته به جای روابط فئودالی که هنوز در بسیاری مناطق کشور حاکم بود، به اصلاحات ارضی شاهانه که تنها به نفع امپریالیسم و سرمایه داران وابسته بود، مبادرت نمود و در ضمن با تبلیغات پرسرو صدا، خود را حامی دهقانان زحمتکش و دشمن سرسخت فئودال ها و نامور کرد. اما هنوز دیدی ننگزشته بود که کشاورزان بی زمین که در اثر این اصلاحات کدائی در بعضی نقاط کشور صاحب قطعه زمین کوچکی شده بودند به ماهیت واقعی این اقدام پی بردند چرا که از جنگ زمین داران بزرگ، این دشمنان آشکار خود به درآمده به دام بانک های نزل و خوار، دشمن مودی و خطرناک دیگری افتادند با این تفاوت که چهره این دشمن مثل قبل، آشکار نبود. فقط ماه به ماه، شیسه جانشان به وسیله این زالوافتنان مکیده می شد و پایانی هم نداشت برخلاف آنچه که تصور می کردند با نابودی فئودال ها و گرفتن یک قطعه زمین که مال خودشان بود نه تنها وضعیتشان بهبود نیافت بلکه روز به روز زیر فشار هزینه های

سنگین و روز افزون کمزیشان بیشتر خم می شد و امروز که شانزده سال راپشت سر گذشته اند، هنوز اسیر این وام های پایان ناپذیر هستند. اما نکته ای که اکنون پس از سرنگونی رژیم منقر پهلوی وجود دارد، ابقای این روابط و تحت فشار گذاردن کشاورزان در پرداخت بدهی های ماهیانه شان است. دهقانان زحمتکش ماکه همراه با سایر اقشار برای نابودی رژیم سرسپرده پهلوی با تمام روابط استثمار گرانه و ظالمانه اش به پا خاسته و مبارزه کردند، انتظار داشتند که پس از بیرون راندن شاه با یک اصلاحات ارضی واقعی روبرو شوند. زمینی که روی آن کنار می کنند، بدون هیچ چشمداشتی مال خودشان باشد، اما در عوض رژیم جدید به آنها چه داده است؟ آقای قیومی نیاسرپرست کل بانک کشاورزی استان کرمان در مصاحبه ای با خبرگزاری پارس اظهار کرده که:

باغات پسته و محصولات کشاورزی آنها صدمه رسیده و قادر به پرداخت بدهی خود نیستند تمديد و تقسيط شده است." (انقلاب اسلامی شماره ۱۲۸) لطف و مرحمت رژیم جدید به کشاورزان و پاسخ به مبارزات آنها تنها "معافیت از بهره دیرکرد" است. دهقانان پس از قیام تاکنون این وام های کمزور را نپرداخته اند چرا که نتوانستند این وام ها را بپردازند بلکه علاوه بر آن اصلاحات ارضی را قبول ندارند. اعمال آقای قیومی نیاسرپرست و امثال ایشان به خوبی ماهیت رژیم کنونی را نشان می دهد. این رژیم ماهیتاً نمی تواند طرفدار دهقانان و زحمتکشان باشد و خواست واقعی آنها را برآورد. دهقانان تنها با تشکیل در شوراهای واقعی و دمکراتیک خود قادر به اعتراض همگانی علیه این گونه مظالم خواهند بود. دهقانان و سایر زحمتکشان میهن ما تنها به رهبری طبقه کارگر، می توانند سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته را به طور کامل نابود کرده و با برقراری جمهوری دمکراتیک خلق در جهت محو کامل روابط استثمارگرانه به پیش روند.

امپریالیست ها وسائل

شرکت حفاری سنتافه را بغارت بردند

در تاریخ ۱۸ مهر شرکت نفت به نمایندگی دولت ایران به گمرکات بندر خرمشهر و بوشهر اعلام کرد که امپریالیست ها اجازه دارند دکل ها و وسایل حفاری شرکت ملی شده حفاری سنتافه را خارج کنند و در یادار مدنی استادار خوزستان نیز از تمام نیروهای نظامی و انتظامی از کمیته تألیف سبک راه و زاندارم ری خواست در طول راه از وسایل غارت شده ملت ایران مواظبت کنند تا امپریالیست ها به راحتی غارتگری خود را به پایان برسانند. در حال حاضر سرمایه داران خارجی در امنیت کامل در حال خروج این وسایل هستند. این عمل ضد کارگری، ضد انقلابی دولت، شرکت نفت، مدنی خائن و کمیته ها که همه در خدمت

امپریالیسم قرار گرفته اند، به خوبی ماهیت آنها را نشان می دهد. کارگران و زحمتکشان ایران مبارزه کردند تا اموال ملت را که امپریالیست ها و وابستگان آنها تصاحب کرده بودند بازستانند ولی دولت ایران که ادعای ملی شدن را دارد به امپریالیست ها اجازه می دهد تا اموال ما را به غارت برند.

نقل از خبرنامه شرکت های حفاری - شماره ۲، ۱۴ آبان ۵۸

لازم به توضیح است که شرکت های حفاری از دو ماه پیش به تدریج توسط کارگران ملی اعلام شده است. شرکت سنتافه نیز جزو همین شرکتهاست.

Logo of the National Oil Company of Iran (NOC) with the text "شرکت ملی نفت ایران" and "مستقل و متعهد". Below the logo is the address "مدیرکل گمرکات بندر بوشهر" and the phone number "۵۸/۳۱۱۲۲".

Advertisement for "استاداری خوزستان" (Governorship of Khuzestan). It includes contact information for the Governor's Office in Ahwaz, such as "فرمانداری آبادان" and "فرماندهی ناحیه هنگ زاندارم خوزستان". It also lists several points of contact for various departments and services.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

کارگران با اتحاد خود نقشه های کارفرما را نقش بر آب کردند

کارفرمای کارخانه دکتر عبیدی که یک کارخانه داروسازی است اعلام کرده بود که به علت کاهش تولید احتیاجی به کارگران جدیدی که بعد از ۱۵ مرداد استخدام شده اند، ندارد بعد از این اعلام، کارگران جدید را به کارخانه راه نمی دهند وحتی عده ای از کارگران قدیمی هم که از این کارگران پشتیبانی می کنند از ورودشان به کارخانه جلوگیری می شود. مجموع کسانی که از ورودشان به کارخانه جلوگیری شد، حدود ۱۰۰ نفر بودند. این اخراج در وضعیت صورت می گیرد که کارگران خواهان انحلال سندیکای فرمایشی و ایجاد شورای واقعی در کارخانه هستند. بدین ترتیب کارگران تصمیم می گیرند صبح روز چهارشنبه ۲۸ آبان ۵۸ همگی جلوی کارخانه جمع شوند و تصمیم قطعی بگیرند. در این تجمع کارگران پس از بحث و گفتگو به این نتیجه می رسند که چند نماینده انتخاب کنند تا با مراجعه به مقامات و موسسات مسئول به خواست هایشان رسیدگی شود. و در ضمن تصمیم گرفته می شود در صورت عدم پاسخگویی از طرف مقامات تا رسیدگی قطعی و تعیین تکلیف کارگران اخراجی در کارخانه متحصن شوند. نمایندگان کارگران به وزارت کار، وزارت بهداشت، کانون شوراهای وابسته به حزب جمهوری اسلامی و کمیته های صنفی امام مراجعه می کنند و نمایندگان این موسسات به میان کارگران می آیند و با نمایندگان کارگران مذاکره می کنند. در وزارت کار به آنها اعلام می شود که طبق ماده ۳۳ کارفرما حق دارد کارگران را اخراج کند کمیته صنفی امام هم پس از جلساتی با کارفرما پاسخ مشخصی به کارگران نمی دهد. کارفرما که با مقاومت و همبستگی جدی کارگران مواجه می شود حرف اول خود را پس می گیرد و می گوید فقط ۸ نفر را اخراج کرده است و بقیه می توانند به سرکار خود برگردند. ولی کارگران که به ضرورت همبستگی را دریافته اند این پیشنهاد مزورانه کارفرما را نمی پذیرند. آنها قاطعانه اعلام می دارند تا بازگشت تمامی کارگران به کار به مبارزه خویش ادامه خواهند داد. آنها می گویند این ۸ نفر همواره مدافع واقعی ما بوده اند. ماهه مثل یک تن واحد هستیم. هر یک از ما قسمتی از این تن است. این ۸ نفر مثل چشم های یک تن هستند. اگر این ۸ نفر نباشند مثل این که این بدن کور است. ما تن مریض نمی خواهیم. ما با هم سالمیم و بی هم معیوب. و به این ترتیب پاسخ تفرقه اندازی کارفرما را می دهند. در این موقع کارفرما کارخانه را تا مدت نامعلوم تعطیل اعلام می کند. کارگران که وضع را چنین می بینند از طریق نمایندگانشان به وزارت صنایع و معادن وزارت بهداشتی مراجعه می کنند و پیشنهاد می کنند که کارخانه ملی اعلام شود و وزارت صنایع و معادن مدیری برآورد

کارخانه تعیین کند تا کارگران به سرکار خویش بازگشته و به تولید بپردازند. در این شرایط عده ای از کارمندان و سرپرست ها هم از خواست ملی شدن کارخانه حمایت می کنند. مقامات مسئول عملاً کارگران را سرمی دوانند و کارگران تصمیم می گیرند تا رسیدن به خواست هایشان در کارخانه متحصن شوند و با این قصد به سوی کارخانه می روند. اما با مقاومت پاسدارانی که از چند روز قبل در آنجا مستقر شده بودند مواجه می شوند و پاسداران به کارگران می گویند بایستی صبر کنیم و مسائل را با تمام مقامات مسئول در میان گذاریم. علاوه دلیل تحصن ما بازگشت به کار و ادامه تولید است. پاسداران که سعی داشتند با تیراندازی هوایی کارگران را متفرق کنند در مقابل سرسختی کارگران ناچار به تسلیم می شوند و کارگران موفق می شوند به درون کارخانه رفته و آنجا تحصن کنند. روز بعد نماینده وزارت صنایع و معادن به کارخانه می آید و به کارگران می گوید مسئله ملی کردن کارخانه دومرحله دارد. در مرحله اول وزارت کار بایستی علت اخراج را توضیح داده و گزارش کند. (معلوم نیست ملی کردن چه ربطی به علت اخراج کارگران دارد) و با دادن قول مساعد از کارگران می خواهد که کارخانه را ترک کنند. کارگران با گرفتن قول مساعد موقتاً کارخانه را ترک می کنند. در ضمن کارفرما و عواملش علت اخراج هشت نفر را (که در همان زمان به علت پافشاری کارگران به پنج نفر کاهش یافته است) آگاهی آنان ذکر کرده و می گوید ما کارگر آگاه نمی خواهیم. اینها حرف بزن های شما هستند. علاوه بر این از این کارگران به دادسرای انقلاب اسلامی شکایت می کنند؟ دادسرای انقلاب اسلامی هم می گوید روز سه شنبه ۲۹ آبان ماه در جمعی از کارگران در وزارت صنایع و معادن به شکایت کارفرما رسیدگی خواهد شد. کارگران تصمیم می گیرند با توجه به نیازی که در فصل زمستان به دارو در جامعه وجود دارد همچنین مسئله تحریم داروهای آمریکایی و احتیاج مناطق زلزله زده خراسان به دارو روز شنبه به سر کار خود باز گردند. در ضمن تصمیم می گیرند در صورت اخراج همکارانشان که بدون دلیل صورت گرفته، مجدداً به اعتصاب دست بزنند. روز یکشنبه ۲۴ آذرماه جلسه تشکیل می شود و به علت تصمیم کارگران و پشتیبانی قطعی آنان از کارگران اخراجی دادگاه به رفع اتهام از کارگران رای می دهد. آنها نیز به سر کار خود بازمی گردند. کارفرما پس از شکست خود، در مقابل مبارزه قاطعانه کارگران تلاش می کند چند تن از کارمندان را که از ملی شدن کارخانه حمایت کرده اند، اخراج کند، یکی از کارمندان در جلسه ای که با حضور کارگران تشکیل می شود به توضیح شرایط

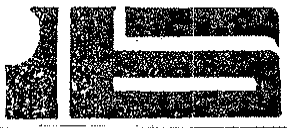
اختناق امیر کارخانه ازبند و تاسیس و افشای اقدامات ضد کارگری کارفرما و عواملش می پردازد و به عنوان مثال مطرح می کند که دسیسه چینی برای اخراج هشت کارگر از مدتها قبل توسط "مقدم" سرپرست یکی از انبارها "نمایند" سندیکای فرمایشی "دنبال می شد" و او بر اخراجشان پافشاری می کرده کارگران که به نیرنگ های گوناگون کارفرما پی برده اند با حمایت خود مانع اخراج کارمندان می گردند و به این ترتیب شکل و همبستگی کارگران منجر به پیروزی آنان و شکست کارفرما در این حرکت می شود. کارخانه می بینیم که هنوز سندیکای فرمایشی که عملاً عامل و آلت دست کارفرما است تنها شکل موجود در کارخانه است و کارگران قبل از این نتوانسته اند تشکیلاتی که به واقع کارگری باشد و بتواند با دفاع از منافع و خواست های کارگران مبارزه خود سری های کارفرما لگام زند، به وجود آورند. در چنین شرایطی و در صورت نبودن چنین تشکیلاتی است که سرمایه دار صاحب کارخانه به خود اجازه می دهد تا حد اخراج ۱۰۰ نفر از کارگران پیش رود و با اتکال به حمایت وزارت خانه ها و بقیه دستگاه های مسئول و نفوذش در سندیکای فلابی کارخانه تا حد تعطیل کارخانه و بی کار کردن تمامی کارگران به دسیسه چینی علیه کارگران برخیزد. از سوی دیگر می بینیم که کارگران با تشکیل خود انگیخته ای که در جریان حرکت به وجود آمده است از تمامی راه های قانونی (از مراجعه به وزارت کار، کمیته صنفی امام...) برای گرفتن حقوق طبیعی خود (حق کار) اقدام می کنند. ولی کارگران مشاهده می کنند که تمامی این دستگاه ها به اشکال گوناگون به حمایت مستقیم و غیرمستقیم از کارفرما برمی خیزند (طبیعی است که این دستگاه های اداری بنا بر ماهیت طبقاتی خویش بایند حافظ منافع سرمایه داران باشند) در این مرحله است که کارگران به اقدام جدی و به اتکال به نیروی اتحاد خود تصمیم می گیرند به شیوه ای دیگر عمل کنند و در کارخانه متحصن شوند و می بینیم که کارفرما و حامیان او مجبور می شوند در مقابل اتحاد یکپارچه کارگران تسلیم شوند. در اینجاست که خود انگیخته کارگران در صورتی خواهد توانست موفقیت های خود را تثبیت کند و به موفقیت های دیگر برسد که بتواند به یک شکل آگاهانه تبدیل شود و باید در ارتباط با تشکیلات واقعی کارگری دیگر کارخانجات مشابه قرار گیرد تا بتواند به امری واقعی در مقابل سرمایه داران تبدیل شود. از سوی دیگر توطئه چینی کارفرما را می بینیم که در اشکال مختلف صورت می گیرد و هدف اصلی آن جلوگیری از اتحاد و همبستگی کارگران است. از تفرقه اندازی

بین کارگران قدیمی و جدیدی گرفته تا مبارزه آشکار علیه کارگران آگاه و استفاده از پاسداران و اعمال فشار مستقیم و سرکوبگرانه ایجاد اختلاف بین کارگران و کارمندان که از آنان پشتیبانی می کنند، سود می جوید وحتی توطئه تعطیل کارخانه برای مدت نامعین را پیش می کشد. در پشت تمام اقدامات کارفرما از وزارت کار گرفته تا پاسداران کمیته صنفی امام، عملاً اقدامات ضد کارگری کارفرما حمایت می کنند و بنا بر ماهیت طبقاتی آنها انتظاری غیر از حمایتشان از سرمایه داران نمی تواند وجود داشته باشد. بیانیته شورای انقلاب اسلامی هم مبنی بر ممنوعیت هرگونه اعتصاب و تحصن و اعتراض کارگران چیزی جز حمایت آشکار از سرمایه داران نیست. آیا همین نمونه مشخص به ما نشان نمی دهد که اگر کارگران می خواستند بنا بر بیانیته شورای اعتراض خود دست بکشند می بایست تسلیم بیکاری می شدند و زورگویی آشکار سرمایه دار را می پذیرفتند؟ در حالی که کارگران با درک عمیق اجتماعی خویش درست در حالی که سرمایه دار صاحب کارخانه تلاش خویش را برای تعطیل کارخانه ادامه می دهد آنها اعلام می کنند که به دلیل تحریم داروهای آمریکایی، فاجعه زلزله خراسان و نیاز مردم در این فصل به دارو حاضرند به کار بپردازند و در این رابطه پیشنهاد ملی کردن کارخانه را به وزارت صنایع و معادن می دهند تا چرخ تولید را به راه اندازند. آیا اقدام نکردن این وزارتخانه و سنگ اندازی بقیه مقامات به منظور جلوگیری از ملی شدن کارخانه جز مهر تأیید و حمایت آشکار از منابع سرمایه داران است؟ ضرورت ایجاد تشکیلات واقعی کارگری در عمل در این حرکت مشخص بر کارگران این کارخانه روشن گشته است. اینک بایستی با استفاده از این تجربه آگاهانه بکوشند با حفظ تشکیلات ارتقاء بخشیدن به آگاهی همکاران خود زمینه را برای وحدت سراسری کارگران فراهم نمایند. امر ملی شدن واقعی کارخانجات هم نمی تواند صورت واقعی به خود گیرد مگر کنترل تولید و توزیع در اختیار شورای کارگران قرار گیرد و چنین شورایایی باید در ارتباط با شورای واقعی دیگر کارخانجات امر تولید را پیش برد تا دست سرمایه داران وابسته را کوتاه کند. کارگران که تنها نیروی پیگیر در مبارزه علیه امپریالیسم و سرمایه داران هستند فقط در صورتی خواهند توانست این مبارزه را به نتیجه برسانند که تشکیلات مستقل خود را داشته و از طریق سازمان سیاسی خاص خویش (حزب طبقه کارگر) هدایت شوند.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

باند های سیاه در بندرانزلی با حمایت پاسداران مردم مبارز را می ربایند و قتل می رسانند

پس از حمله پاسداران انقلاب اسلامی به صیادان و مردم زحمتکش انزلی و شهادت عده زیادی از مردم این شهرویه دنبال مبارزات قهرمانانه مردم انزلی عده ای از عناصر معلوم الحال با حمایت پاسداران به شیوه های جنایتکارانه ای متوسل شده و به قصد ارباب و سرکوبی مردم مبارز انزلی به جنایات آشکاری دست می زنند. این عناصر مزدور مردم مبارز را مخفیانه دستگیر می کنند و به قتل می رسانند. نخستین اقدام وحشیانه آنها این بود که به صورت یکی از افراد پرسنل نیروی دریایی که در جریان تظاهرات خیابانی جانب مردم گرفته بود اسید پاشیدند و در ۲۷ آبان ماه پلاژ داری را شبانه از خانه اش ربودند و به قبیح ترین وضعی به قتل رسانیدند. جنایتکاران که با جوارب صورت خود را پوشانده بودند با تومپیل شماره ۹۸۶۹۵ نیروی دریایی نیمه های شب مدکور به قصد کشتن اصغر عاشورلو به ساحل انزلی رفتند. جنایتکاران با استفاده از تریکی شب در حدود ساعت ۱۱/۵ به صغردوستانش حمله کردند و بعد از ضرب و شتم افراد موجود اصغر را با خود بردند و تهدید کردند که اگر واقعه به کسی حرفی زده شود همه افراد حاضر کشته خواهند شد. خانواده و دوستان اصغر با وجود تلاش های زیاد کمترین نشانی از اصغر نمی یابند بالاخره در روز جمعه ۲ آذرماه خبر قتل فجیع اصغر در شهر می پیچد فالانژها بعد از زبون اصغر ۵ گلوله به او زده و برای آن که جسد شناخته نشود صورتش را متلاشی کرده آن را در رودبار رها کرده بودند. پس از پیدا شدن جسد توسط مأموران ژاندارمری به دستور مراکز قدرت پزشکی قانونی جواز دفن صادر کرده مخفیانه جسد را در پشت به خاک می سپارند. در تاریخ ۳ آذرماه افرادی که از انزلی به رشت رفته بودند موفق به یافتن قبر شده بعد از نیش قبرچنانچه را به بندرانزلی منتقل می کنند. این روز مصادف بود با مراسم چهارمین روز سهیلادت صیادان و زحمتکشان رزمنده ای که در واقعه دوشنبه ۲۳ مهرماه به دست پاسداران شهید شدند. مردم مبارز و زحمتکش انزلی که در این روز با صفوفی یکپارچه و متحد در خیابان های شهر جمع شده بودند ضمن ادای احترام به شهیدای مبارزشان با توفانی از خشم و نفرت علیه فالانژهای جنایتکار و حامیان آنها در شهر شعار می دادند و با مشت های گره کرده عزم راسخ خود را در ضرورت ادامه انقلاب و مبارزه با جنایتکاران نشان دادند.



پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به سازمان دانشجویان پیشگام به مناسبت

۱۶ آذر روز دانشجویان

راه سرخ ۱۶ آذر

در تاریخ مبارزات خونین جنبش دانشجویی میهن ما سرکوب خونین ۱۶ آذر ۲۲ یکی از آن صفحات سرخی است که هرگز از خاطره توده‌های قهرمان ایران فراموش نخواهد شد. هنوز چند ماهی از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد و سرکوب خونین جنبش ضدامپریالیستی خلق‌های ایران نگذشته بود که نیکسون معاون آیزنهاور رئیس جمهوری آمریکا سر مست از شکست جنبش و واژگونی حکومت مصدق برای حمایت از رژیم که تا مین منافع انحصارات جهانی و شرکای داخلی آنان را بر عهده داشت، روانه ایران شد. مهم‌ترین ماوریست نیکسون در این سفر این بود که با فراهم آوردن زمینه برای انعقاد قرارداد کنسرسیوم، دستاوردهای مبارزات مردم ایران را در راه ملی کردن صنعت نفت پایمال سازد. رژیم که هنوز پایه‌های خود را تحکیم نیافته می‌دید و به خصوص از گسترش جنبش دانشجویی و تاثیر آن بر جنبش توده‌ای به شدت هراس داشت، در آستانه ورود نیکسون به دستور کار شناسان و مشاوران آمریکائی و انگلیسی و به منظور ایجاد فضای رعب و اختناق در کمال فساد و بی‌رحمی به دانشگاه پورش برد و شریعت رضوی، بزرگ‌نیا و قندچی را در محنه دانشگاه به شهادت رساند.

خون کمونیست‌ها و دیگر نیروهای مترقی در محنه دانشگاه به هم آمیخت و یار دگر این واقعیت که در مبارزه با امپریالیسم دیگر نیروهای خلق متحد کمونیست‌ها هستند، به اثبات رسید.

اما این سرکوب خونین نیز مثل بسیاری از سرکوب‌های دیگر، تجربه مبارزاتی خلق ما را غنی تر ساخت و جنبش دانشجویی از آن به نایاب سلاحی موثر علیه امپریالیسم و شرکایش بهره گرفت.

در سالیانی که سایه شوم و خفقان بار رژیم شاه بر تمام میهنه ایران گرد مرگ می‌پاشید، در روزهایی که عوامل سیا و ساواک با هزاران تهدید و جنایت از تجمع دانشجویی، از پیوند دانشجویان توده‌ای و بطور کلی از هر حرکت دانشجویی جلوگیری می‌کردند، در سال‌هایی که کماندوها و جت‌های ارتش ضد خلقی و نیروهای گارد مزدور به وحشیانه‌ترین شکل ممکن به اجتماعات دانشجویی و دانشگاه‌ها یورش می‌بردند و نیروی جهنمی خود را به کار می‌گرفتند تا نگذارند صدای دانشجویان روزمندی و ترقی خواه که فریاد خلق ایران بود و هست از حصارهای دانشگاه فراتر رود و به گوش مردم برسد، در سال‌هایی که در خیمان رژیم هر صدای حق طلبانه‌ای را در گلو خفه می‌کردند... سالگردهای سرکوب خونین شانزده آذر ۳۲، میعادگاه دانشجویان روزمندی و دیگر زمامداران خلق شد و از این میعادگاه بود که فریاد دانشجویان به انعکاس فریاد حق طلبانه خلقی ستم دیده، برده‌ها و دیوارهای حفاتت بار سکون و سکوت را می‌شکست و همه رنجبران و آزادی خواهان را به اتحاد، مبارزه، پیروزی فرا می‌خواند.

پس از تجربه خونین شانزده آذر، جنبش دانشجویی غنی تر و پربارتر از گذشته به حرکت خود ادامه داد و در خفقان بارترین روزهای سلطه امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته نیز از حرکت باز نایستاد و در پی هر سرکوب، مصمم تر و آگاه‌تر از پیش، پرچم سرخ مبارزه را برافراشته داشت و فدائیان تریبون و روزمندی‌ترین پیشاهنگان جنبش رهائی بخش را در دل خود پرورش داد و به میدان مبارزه فرستاد. جنبش دانشجویی هر چند در سال‌های سیاه خفقان، مراحل رشد را به سرعت نیامود اما در مراحل از رشد خود توانست حصار دانشگاه را فروریزد و با جنبش توده‌ای پیوند یابد و مبارزه را به خیابان‌ها، محله‌ها و حتی کارخانه‌ها کشاند.

همراه با رشد جنبش توده‌ای، جنبش دانشجویی پیوسته ابعدگسترده‌تری به خود گرفت و پایه کارگرفتن اشکال نوین مبارزه، پیوند خود را با جنبش توده‌ای عمیق بخشید، دانشگاه‌ها به سنگرهای مقدم مبارزات ضدامپریالیستی و دمکراتیک بدل شدند و بسیاری از دیوارهای میان جنبش دانشجویی و جنبش توده‌ای فرو ریخت.

در مبارزات قهرمانانه سال‌های اخیر که به قیام شکوهمند بهمن ماه و سرنگونی رژیم سلطنتی انجامید، جنبش دانشجویی با شرکت فعال و همه‌جانبه در مبارزات ضد

امپریالیستی و دمکراتیک عمیق و اعتلایافت و در تعمیم و اعتلای جنبش توده‌ای نقشی موثر بازی کرد.

سازمان سیاسی طبقه کارگر

جنبش توده‌ای و وظایف سازمان دانشجویی
امروز که خلق ما پس از سال‌ها مبارزه خونین و حماسه آفرین دور تازه‌ای از مبارزه ضدامپریالیستی - دمکراتیک خود را آغاز کرده است، امروز که ابعد مبارزات طبقه کارگر و توده‌های میلیونی ایران و جهان پایه‌های اقتدار امپریالیسم جهانی را به لرزه در آورده است، طبقه سرمایه‌دار ایران تحت حمایت امپریالیسم آمریکا، همه تلاش‌های خود را برای شکست مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های میهن ما به کار گرفته است.

سیاستمداران مدافع سرمایه‌داری انحصاری در چهره‌های ناشناخته و مردم فریب به صحنه فرستاده می‌شوند. لیبرال‌ها با استفاده از هر فرصتی مودیان به قدرت می‌خرند و هر دوی اینان تحت حمایت امپریالیسم و وابسته‌گیری از ضعف‌های تاریخی و تمایلات ضد کمونیستی روحانیت کسه مشخصاً گراشی ارتجاعی است، سرکوب و شکست جنبش ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های میهن ما را تدارک می‌بینند در این شرایط جنبش دانشجویی ایران باری بسیار عظیم تر و سنگین تر از گذشته به دوش می‌کشد و از همین رو است که وظایف آن بسی دشوار تر از گذشته است. از این رو حرکات و جهت‌گیری‌های درست جنبش دانشجویی و اشکال مبارزه آن بیش از پیش اهمیت یافته است.

جنبش دانشجویی که بخش رشد یافته‌ای از جنبش توده‌ای است باید در پیوند تنگاتنگ با کل جنبش باشد و متناسب با فرازونشیب جنبش توده‌ای گام بردارد.

سازمان‌های دانشجویی وابسته به سازمان سیاسی طبقه کارگر باید با سازماندهی و تشکل جنبش توده‌ای دانشجویی این جنبش را تحت رهبری سازمان سیاسی طبقه کارگر در آورند و از این طریق به توبه خود نقش و سهم خویش را در تاسیس رهبری طبقه کارگر در سطح جنبش رهائی بخش و دمکراتیک خلق‌های ایران ایفا نمایند. این وظیفه عمده سازمان دانشجویی وابسته به طبقه کارگر است.

تشکل تشکل جنبش دانشجویی و پیوند عمیق آن با جنبش توده‌ای است که می‌تواند مبارزات دانشجویی را از چهار دیواری دانشگاه به میهنه جنبش بکشاند، میان کارخانه و دانشگاه، روستا و دانشگاه، سربازخانه و دانشگاه، مدرسه و دانشگاه و بطور کلی جنبش توده‌ای و جنبش دانشجویی رابطه عمیق و ارگانیک برقرار کند و در ارتقاء آگاهی سیاسی توده‌ها موثر افتد.

سازمان توده‌ای جنبش دانشجویی دانشگاه‌های است که در جریان مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خود آگاهی‌های سیاسی، روحیه مبارزاتی و قدرت سازماندهی جنبش دانشجویی را افزایش می‌دهد. این سازمان‌ها مانند هر سازمان توده‌ای دیگر، نه تنها امر مبارزه ضدامپریالیستی - دمکراتیک را به پیش می‌رانند، بلکه دانشگاه‌هایی هستند برای رشد دانشجویانی که در آینده به سازمان سیاسی طبقه کارگر می‌پیوندند. سازمان توده‌ای جنبش دانشجویی همگام با پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی و دمکراتیک و حضور فعال در صحنه‌های سیاسی جنبش، عناصر کم تجربه‌ای را که بتازگی به صفوف جنبش دانشجویی پیوسته‌اند، سازمان و پیروش می‌دهد، به همین دلیل این گونه سازمان‌های توده‌ای باید حتی الامکان در برگیرنده همه دانشجویان ترقی خواه و دمکرات بود و استعداد‌های صیقل ناپافته را صیقل دهند و گرایش‌های دمکراتیک را تقویت کنند و ارتقاء دهند.

در شرایط کنونی که مبارزات ضدامپریالیستی توده‌ها اعتلای تازه‌ای یافته است، سازمان‌های توده‌ای دانشجویی باید با حضور هر چه فعال تر در مبارزات سیاسی و شرکت همه جانبه در مبارزات توده‌ها در تعمیم و گسترش ابعد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران بکوشند. سازمان‌های توده‌ای باید به دور از هر گونه تنگ نظری پیوسته به منافع جنبش توده‌ای بپنندیشند و در جهت اهداف جنبش

توده‌ای حرکت کنند. از همین رو است که در شرایط فعلی باید عمده نیروی خود را در جهت مبارزه با دشمن اصلی خلق یعنی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی آن یعنی طبقه سرمایه‌دار ایران سمت دهند. در این راه همکاری نیروهای مترقی مذهبی با کمونیست‌ها که به تقویت گرایش‌های ترقی خواهانه و تضعیف گرایش‌های ارتجاعی بیانجامد، به سود جنبش تمام خواهد شد. ما یکبار دیگر اعلام می‌کنیم که قضاوت درست و برخورد واقع بینانه با نیروها و جریان‌های سیاسی موجود در سطح جنبش ضدامپریالیستی - دمکراتیک، نقش مهمی در تقویت زمینه‌های وحدت عمل آنان ایفا می‌کند.

دانشگاه سنگر مبارزه

ضدامپریالیستی و دمکراتیک

دانشجویان روزمندی پیشگام! دانشگاه باید همچنان سنگر مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و نوکرانش باشد. جنبش دانشجویی باید همه توان خود را برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا و طبقه سرمایه‌دار ایران که با هزاران رشته با امپریالیسم پیوند دارد، بکار گیرد. جنبش دانشجویی می‌باید در راستای انسجام تشکیلاتی و دست‌یابی به وحدت و موجودیت متشکل سرتاسری بطور بی‌گوشی بکوشد.

در اوضاع و احوال کنونی سازمان دانشجویان پیشگام بنا بر وظایف پراهمیتی که به عهده دارد، باید به منظور مقابله با تهدیدات امپریالیسم آمریکا، دانشجویان را در پیشبرد وظایف عاجل زیر هدایت کند:

۱- با برگزاری نمایشگاه‌ها و سخنرانی‌ها و افشای جنایات امپریالیسم آمریکا در ایران و سراسر جهان، بکوشند درک روشنی از امپریالیسم به مردم ارائه دهند. این نمایشگاه‌ها و سخنرانی‌ها را در هر کجا که می‌توانند تشکیل دهند. این نمایشگاه‌ها و سخنرانی‌ها را نه تنها در دانشگاه‌ها و محل کار، بلکه در محلات و کوچه و خیابان نیز باید برگزار کنند.

۲- دانشجویان را راهنمایی کنند که با استفاده از تجربیات نظامی سازمان‌های انقلابی و مطالعه هر گونه آثار تئوریک در این زمینه، در ارتقاء دانش نظامی خود بکوشند. و خود را برای مقابله با یورش نظامی احتمالی امپریالیسم آمریکا آماده کنند. آنها هم چنین باید با به خدمت گرفتن از امکانات موجود به پادگان‌ها و سربازخانه‌ها مراجعه نمایند و روش‌های کاربرد سلاح را عملی‌تر آموختند و فنون نظامی را بیاموزند.

۳- در جنبش‌های اعتراضی توده‌ای شرکت کنند و دامنه توده‌ای شعارها را گسترش دهند. ما اعتقاد داریم تنها با شرکت فعال در مبارزه ضدامپریالیستی و دمکراتیک است که سازمان‌های توده‌ای وابسته به جنبش کمونیستی می‌توانند با گرایش‌های ارتجاعی مبارزه کنند و گرایش‌ها و نهاد‌های دمکراتیک درون جنبش را تقویت و تحکیم نمایند و به نوبه خود در امر تاسیس رهبری طبقه کارگر موثر افتند.

در اهتزاز یاد پرچم خونین جنبش دانشجویی ایران مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با جنبش توده‌ای پرفروغ تریاد خاطره شهیدای ۱۶ آذر مرغ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق‌های ایران نابود باد نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران
۱۶ آذر ماه ۵۸

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با جنبش توده‌ای

لنین از فوریه تا اکتبر

تعمق در تجارب انقلاب کبیراکتبر، همیشه برای انقلابیون سراسر جهان حاوی ارزشهای عظیمی بوده است. در این میان مطالعه عمیق آنچه که بر روسیه ۱۹۱۷ بین دو انقلاب فوریه و اکتبر گذشته است جای ویژه ای دارد. بخصوص هرگاه بپذیریم گرایش هائی می کوشند روندهایی را که بین فوریه تا اکتبر در روسیه طی شده است به تمامی و به نحوی مکانیکی با شرایط و موقعیت کنونی جامعه ما منطبق سازند، ارزیابی همه جانبه این دوره تاریخ ساز روسیه امینیتی صدچندان می یابد. در این مقاله، از نگاه لنین با جنبه های از فوریه تا اکتبر آشنا می شویم.

لنین در فاصله دو انقلاب فوریه تا اکتبر

می گوید:

"نخستین انقلاب که از پیشه جنگ جهانی امپریالیستی است، آغاز گردید. این نخستین انقلاب مسلما آخرین انقلاب نخواهد بود. چگونه چنین معجزه ای توانست به وقوع پیوندد که بساط سلطنتی که قرن ها دوام آورده و در جریان سه سال یعنی از ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ که طی آن بزرگ ترین نبردهای طبقاتی تمام مردم بوقوع پیوست علیرغم تمام مشکلات پابرجا ماند، فقط در ظرف ۸ روز برچیده شود؟ ... در طبیعت و تاریخ معجزه

کشور حاضر بودند، فاش نمود. در سال ۱۹۱۶ بحران در روسیه اوج می گیرد. ناراضی در همه جا بین کارگران، دهقانان و سربازان خود را نشان می دهد. اعتصابات ابعادی سابقه ای پیدا می کنند. در پائیز ۱۹۱۶ مبارزات توده ای بازم گسترش بیشتری می یابد. حکومت ناتوانی خود را در برابر امواج طوفانی توده ها نشان می دهد و سال ۱۹۱۷ با امواج وسیع اعتصابات آغاز می گردد. یک اعتصاب سیاسی که در ۲۵ فوریه در پتروگراد آغاز گردید به زودی به یک اعتصاب عمومی تبدیل شد و در ۲۶ فوریه به قیام مسلحانه انجامید. رژیم دیکتاتوری تزاری با وجود

بعد از انقلاب فوریه، نیمی از قدرت سیاسی عملا در دست شوراهای انقلابی کارگران، دهقانان و سربازان بود.

آن که بارها بر روی تظاهرات کارگری آتش می کشید، امانی نتواند قیام توده ها را درهم بشکند. سربازان به طرف کارگران می آیند و بالاخره در اواخر فوریه قیام مردم پیش می رود و سرانجام در ۲۷ مهین ماه رژیم استبدادی تزاری واژگون می شود و شورای نمایندگان پتروگراد که از نفوذ وسیعی برخوردار بود به عنوان ارگان قدرت انقلابی، حاکمیت را بدست می گیرد. اما نفوذ احزاب خرد بورژوازی (منشویک ها و اسارها) در شورای پتروگراد باعث می شود که یک حکومت موقت بورژوازی سرکار بیاید و در نتیجه به تفویض قدرت به بورژوازی منجر گردد و احزاب بورژوازی به عنوان احزاب حاکم نخستین قیام باید دزاس قرار بگیرد.

لنین درباره قدرت گیری احزاب بورژوازی در این انقلاب می گوید: "تصادفی نبود که قدرت به دست این حزب افتاد. گرچه کسانی که بر ضد نیروهای تزاری مبارزه کردند و در راه آزادی خون ریختند، البته سرمایه داران نبودند بلکه کارگران و دهقانان، ملوانان و سربازان بودند. علت این که قدرت بدست حزب سرمایه داران افتاد این بود که این طبقه نیروی ثروت، سازمان و معلومات لازم را در اختیار خود داشت."

(لنین، در سهای انقلاب) اما پرولتاریا که در این انقلاب نقش ارزنده ای به عهده داشت، اجازه نمی دهد که بورژوازی تمام قدرت را در دست بگیرد. به این ترتیب که با ایجاد شوراهای

مناسبت شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیراکتبر

انقلاب کبیراکتبر

به منزله آغاز و مقدمه انقلابات پرولتری سراسر جهان

کارگران، دهقانان و سربازان در سراسر کشور عملا قدرت دوگانه ای در کشور برقرار می گردند. یعنی نیمی از قدرت در دست دولت بورژوازی موقت و نیمه دیگر دست شوراهای کارگری و دهقانی باقی می ماند. حزب بلشویک فعالیت خود را برای به سرانجام رساندن انقلاب و پیروزی سوسیالیسم به شدت ادامه می دهد. شوراها به اجرای وظایف انقلابی می پردازند، اما رهبری منشویک

و اسار که رهبران شان با بورژوازی سازش کرده بودند، نقش انقلابی شوراها را کاهش داده و قدرت بورژوازی را تقویت می کنند. دولت موقت که قادر به انجام هیچ یک از خواست های کارگران و دهقانان نبود با حقه ها و تاکتیک های عوام فریبانه و اقدامات رفاهی ظاهری بسه گول زدن توده ها می پردازد و سعی می کند روحیه انقلابی توده ها را تقویت کند و مقاومت آنها را درهم بکوبد. اما این حکومت با اقدامات نیم بند خود نتوانست نمی توانست جوابگوی خواست های توده ها و بر آوردن شعارهای خواستار ادامه جنگ بود که منافع خود را در آن می دید (جنگ امپریالیستی سال های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸). سرانجام بحران اوج گرفت و در سوم ژوئن همان سال یک اعتصاب سراسری با تظاهرات گسترده در پتروگراد شکل گرفت که بیش از نیم میلیون نفر در آن شرکت کردند.

بورژوازی با شوراهای گنه به صورت ارگان های مبارزه طبقاتی و تبلیغات وسیع درآمد بود، مخالف بود. دیری نپایید که دولت بورژوازی ماهیت خود را بر آن بخش از کارگران و دهقانان روسیه که از دولت انتظار تصمیم گیری های انقلابی داشتند آشکار کردند.

علت اینکه قدرت به دست حزب سرمایه داران افتاد این بود که این طبقه نیروی ثروت، سازمان و معلومات لازم را در اختیار خود داشت.

که این مهلت بسیار کوتاه و غیر عملی است و خواستار تعویق دعوت مجلس موسسانند.

(لنین - درس های انقلاب) توده های کارگر و دهقان روسیه که برای رهائی از فشارهای اقتصادی و قید و بند های سیاسی دیکتاتوری تزاری، انقلاب فوریه را آغاز کرده بودند وقتی عملا دیدند که حکومت بورژوازی "کرنسکی" نمی خواهد به خواست ها و آرمان های شان پاسخ گوید، یکبار دیگر به پا خواستند تا انقلابی را که آغاز کرده بودند به پایان برسانند. خشم و طغیان توده های مردم با سختی هایی که جنگ امپریالیستی به آنها تحمیل کرده بود، مدام زبانه می کشید. در چنین روز هایی، روسیه که به سرعت از هم می پاشید و حکومت موقت "کرنسکی" در مانده و ناتوان به خود می پیچید، اوضاع هر روز بیش از پیش به طرف هرج و مرج می رفت. صدها هزار سرباز جبهه

کارگری را بدون محاکمه توقیف می نمایند. بلشویک ها را بازداشت می کنند و این عمل اغلب حتی بدون اعلام هرگونه اتهامی انجام می گیرد و اگر هم اتهامی اعلام شود آشکارا افترا آمیز است. سرمایه داران روز به روز گستاخ ترمی شوند و کارگران را بیرون می ریزند و انهم هنگامی

* سربازان می گفتند: "وقتی زمین به دهقانان تعلق بگیرد و کارخانه ها به کارگران و قدرت به شوراهای در آن صورت خواهیم دانست چیزی داریم که برای آن بجنگیم و خواهیم جنگید."

دست به این عمل می زنند که مردم از نبودن کالا در مضیقه اند. اکثریت عظیم دهقانان در کنگره های دهقانی با بانگی رسا و به نحو روشن اعلام داشته اند مالکیت ملاکان را بر زمین بی عدالتی و بیگانه گری می دانند و حال آنکه دولتی که خود را انقلابی و دمکراتیک می نامد ماه ها است دهقانان را سر می دواند و با وعده و دفع الوقت فریبشان می دهد. گستاخی دولت در امر دفاع از ملاکین به جانی رسیده است که دهقانان را به جرم ضبط "خود سرانه" زمین به دادگاه جلب می نماید. دهقانان را سر می دوانند و می کوشند آنها را متقاعد سازند که نادعوت مجلس موسسان صبر کنند. ولی دعوت این مجلس را سرمایه داران کماکان به تعویق می اندازند. اکنون که تحت فشار خواست های بلشویک ها این دعوت موکول به سی ام سپتامبر شده است، سرمایه داران آشکارا فریاد می زنند

ساخت. این دولت حتی به ابتدائی ترین خواست های رحمتگشان که عبارت بود از ۴۸ ساعت کار برای کارگران و زمین به دهقانان، نتوانست پاسخ گوید. لنین درباره اهداف انقلاب و خواست های توده ها از آن و نتایج بر سر کار آمدن دولت بورژوازی چنین می گوید:

"در واقع بینیم هدف توده های کارگر و دهقان هنگام دست زدن به انقلاب چه بود؟ چه انتظاری از انقلاب داشتند؟ چنانچه می دانیم انتظار آنها آزادی، صلح و نساکت و زمین بود.

ولی اکنون چه می بینیم؟ به جای آزادی؟ به تجدید فعال مایشائی سابق پرداخته اند. برای سربازان در جبهه کفر اعدام مقرر شده است. دهقانان را به جرم تصاحب خود سرانه زمین های مالکین به دادگاه جلب می نمایند. چاپخانه های روزنامه های کارگری را تاراج می کنند. روزنامه های

راترک می گفتند و به صورت موجهائی عظیم و بی مقصد در سراسر این سرزمین پراکنده می شدند، سربازان می گفتند:

"آنها که آن بالانشسته اند همیشه از ما می خواهند که بیشتر فداکاری کنیم، در حالی که آنها بی که همه چیز دارند هیچ کس مزاحشان نیست. آخر به ما بگوئید که برای چه می جنگیم؟ آیا برای اهداف سرمایه داران می جنگیم یا برای روسیه آزاد؟ آیا برای دمکراسی می جنگیم یا برای غارتگران سرمایه دار؟ اگر شما به ما ثابت کنید که برای انقلاب می جنگیم در آن صورت ما بسودن این که مجازات اعدام مجبورمان کند، به جنگ خواهیم رفت و خواهیم جنگید. وقتی که زمین به دهقانان تعلق بگیرد و کارخانه ها به کارگران و قدرت به شوراهای در آن صورت خواهیم دانست، چیزی داریم که برای آن بجنگیم و برای آن خواهیم جنگید." دهقانان، خسته از انتظار برای زمین و خشمگین از فشارهایی که حکومت برای سرکوب آنان وارد می کرد، خانه های اربابی را رها کرده و به طرف شهرها سرازیر شده بودند. اعتصابات فوق العاده وسیع و اخراج های دسته جمعی مسکو و دیگر شهرهای روسیه را فراگرفت، حمل و نقل فلج، ارتش گرسنه و در شهرهای بزرگ خواروبار نایاب بود.

لنین تحت عنوان مقاله ای "خطر فلاکت و راه مبارزه با آن" را چنین تصویر می کند: "شش ماه از انقلاب می گذرد فلاکت بیش از پیش نزدیک شده است. بیکاری جنبه همگانی به خود گرفته است. همینقدر فکر کنید، کشور از کمبود خواروبار و کالا و کافی نبودن نیروی کار دستخوش نابودی است و حال آنکه غله و مواد خام به حد کافی وجود دارد و آن وقت در چنین کشوری در چنین لحظه بحرانی بیکاری تا این حد دامنه گرفته است. چه برهانی از این بالاتر که طی ۶ ماه انقلاب (که بعضی ها آن را کبیر می نامند ولی عجلالتا شاید صحیح تر بود آن را بپوشانده می نامیدند) با وجود جمهوری دمکراتیک و با وجود این همه غرور تمام عنوان دموکراتیک انقلابی به خود می دهند، حتی یک اقدام جدی هم بر ضد فلاکت و قحطی به عمل نیامده است؟ ما با سرعتهای روز افزون به ورشکستگی نزدیک می شویم. زیرا جنگ منتظر نمی شود و پیریشانی موجوده در کلیه شئون زندگی مردم که جنگ موجب آن است، دمدم شدت می یابد. و حال آن که انسداد توجه و تعمق در اوضاع کافی است تا یقین حاصل شود که وسایل مبارزه علیه فلاکت و قحطی موجوده اقدامات مبارزه کاملاً روشن و ساده و کاملاً عملی و نیروی مردم هم برای انجام آن کاملاً کافی است و اگر این اقدامات عملی نمی شود علتش فقط و فقط این است که به سودهای گزاف مشتاقان ملاک و سرمایه دار لطمه می زند." (تاکیدها از رفیق لنین) (لنین، خطر فلاکت و راه مبارزه با آن)

ادامه دارد



چه کسانی می خواهند رهبران جنایتکار امپریالیسم آمریکا ...

بقیه از صفحه ۱

در شان کنده ها است . جالب است اگر دقت شود ستاوری که در تلویزیون جمهوری اسلامی از آن تمجید می شود ، کیست ؟ او معتقد است :
" ایالات متحده در برابر فلسطینی ها حالتی بسیار آشتی جویانه دارد . " و تاکید می کند که :
" می باید با فلسطینی ها ، قاطعانه تر و خشن تر برخورد شود . "

قطب زاده این عضو شورای انقلاب ، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی و مسئول اصلی سیاست های تبلیغاتی رادیو و تلویزیون می گوشت کنده ها را که طراح مزورانه ترین برنامه ها ، در سرکوب جنبش های رهایی بخش خلق های سراسر جهان هستند " آدم های خوب و مردان شریف " جلوه دهد .

همین سیاست تبلیغاتی در روزهای نخست تسخیر سفارت آمریکا ضمن این که خود را مخالف دوآتشه امپریالیسم نشان می داد ، شیوه های تبلیغاتی رندانه ای برای آشتی دادن مردم ما با گرگ های آمریکایی به کار گرفت . زمانی که مردم نفرت عمیق خود را از امپریالیسم آمریکا در کوچه و خیابان فریاد می زدند ، از تلویزیون برنامه هایی پخش شد که هدف آن فرو خواباندن خشم و نفرت توده ها نسبت به امپریالیسم آمریکا بود . چند زن آمریکایی در صفحه تلویزیون ظاهر شدند که عکس هایی از " آیت الله خمینی " را همراه داشتند . این عکس ها صرفاً برای تحریک احساسات مذهبی مردم و جلب نظر مساعد آنان نسبت به " آمریکایی ها " بود .

چند روز پس از تسخیر سفارت آمریکا برنامه اخبار تلویزیون فیلمی پخش گردید که نشان می داد یک زن آمریکایی " جادریه سر " در یک خانواده ایرانی " عابد و مسلمان " شده و همسری جوان مسلمان ایرانی و مومن به انقلاب اسلامی در آمده است . این عروس تازه مسلمان شده آمریکایی ، در کنار همسر مومن ایرانی خود در صفحه تلویزیون ظاهر شد و کوشید این توهم را پدید آورد که آمریکا دوست گذشته و حال و آینده ایرانیان باقی خواهد ماند . و این همه زمانی انجام می گرفت که امپریالیسم آمریکا در وحشت خشم و نفرت توفنده مردم ، تظاهرات دانشجویان ایرانی را به خون می کشید . تظاهراتی که به حمایت از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده های میهن ما در شهرهای مختلف آمریکا صورت می گرفت .

تحریف اخبار و هم آوازی قطب زاده بانهگه های رادیو - تلویزیونی و خبرگزاری های آمریکایی در بهانه انحراف کشاندن مبارزات مردم علیه امپریالیسم آمریکا بدان پایه بود که آقای " بنی صدر " در مطبوعات کشور علناً و آشکارا به همکار خود در شورای انقلاب و جانشین خود در وزارت امور خارجه حمله کرد . و نشان داد که

" حسن روابط " ایران با آمریکا در صورت روی کار آمدن احتمالی " کنده " فراهم گردد . . . برای افشاء دقیق ترین سیاست تبلیغاتی در تلویزیون جمهوری اسلامی باید به ساله عمیق تر توجه کنیم . در کشورهای امپریالیستی از جمله در آمریکا سرمایه داران انحصارگر بر سر سهمی که از غارت دسترنج کارگران و زحمتکشان به آنها می رسد با همدیگر اختلاف دارند . این اختلافات باعث می شود که هر کدام از این سرمایه داران در یکی از دسته بندی های سیاسی شرکت کنند . یک دسته که بیشتر در حزب جمهوری خواه گردهم آمده اند از انحصارات تولیدکننده تسلیحات و ماشین های جنگی دفاع می کنند . و دسته دیگر که بیشتر در حزب دمکرات آمریکا جمع شده اند از منافع سرمایه دارانی که در بخش های مصرفی سرمایه گذاری کرده اند دفاع می کنند . رقابت بین جناح های امپریالیستی در حقیقت چیزی جز جریویخت های سرمایه داران آمریکایی برای تأمین منافع خود و متحدینشان در جهان و در میهن ما نیست . آنان برای این که سیاست های خود را به اجراء آورند به هر کاری متوسل می شوند . این درگیری و مبارزه سیاسی به هنگام انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا داغ تر می شود و هر گروه سعی می کند برای جلب آراء بیشتر و بیرون راندن رقیب از بحران ها و درگیری های سیاسی به سود خود بهره برداری تبلیغاتی کند .

آنچه که " ستاور کنده " بر زبان راند و دست مایه تبلیغاتی قطب زاده شد ، چیزی جز یک مانور امپریالیستی برای فریب ما و رای دهندگان آمریکایی نبود . کنده چون کاندیدای رئیس جمهوری آمریکا شده با این حرف ها می خواهد چهره جنایتکار امپریالیسم آمریکا را بیوشاند . غافل از این که مردم جهان دوران " کنده ها " را هم دیده اند . امپریالیسم ، امپریالیسم است چه کارتر در راس آنها باشد چه کنده و چه هر کس دیگری .

طرح " انقلاب سفید شاه " و به دنبال آن کشتار فجیع و وحشیانه خلق در ۱۵ خرداد ۴۲ همه از سیاست های همین کنده ها بوده است . انقلاب سفیدی که به بهای فقر و خانه خرابی و ورشکستگی کارگران و دهقانان و کسبه و پیشه وران ایران به برپایی انواع و اقسام مونتاز و سرازیر شدن سرمایه و کالاهای آمریکایی ، اروپایی ، ژاپنی منجر شد . در زمان ریاست جمهوری کنده به انجام رسید . " کنده ها " طراح یک برنامه تازه برای تحکیم سلطه امپریالیسم آمریکا در میهن ما و کشورهای به اصطلاح " جهان سوم " بودند .

سیاست گسترش جنگ و پتانم ، حمله به کوبا ، سرکوب جنبش رهایی بخش در آمریکای لاتین و آفریقا و دیگر نقاط جهان ، کشتار هزاران انقلابی و میهن پرست ، از جمله " پاتریس لومومبا " ، " چه گوارا " و . . . در شمار کارنامه

گرامی باد خاطر همه شهدای ...

بقیه از صفحه ۱۲

کتاب های سیاسی بر آگاهی خود می افزود . در همین رابطه دستگیر شد و در مدت چند سال که در زندان رژیم بود آبدیده تر شد . پس از آزادی با سازمان چریک های فدائی خلق ارتباط برقرار کرد . سرانجام در آذرماه ۵۵ پس از شرکت در مبارزات و عملیات متعدد هنگامی که با یکی از رفقا که آماده پیوستن به سازمان بود قرار داشت در ایستگاه راه آهن مشهد با پلیس درگیر شد . او که زخمی شده بود دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه طولانی (احتمالاً به مدت چهار روز) از ساواک مشهد به تهران منتقل شد و دوباره در بیمارستان تحت شکنجه قرار گرفت و سرانجام با شهادتش ستاره ای دیگر در آسمان مبارزات خلق ایران افروخته شد .
گ می باد یاد او

رفیق شهید ویزنصر مسلم در شهرستان لاهیجان متولد

خرداد ۱۳۵۰ در وزارت منابع طبیعی استخدام شد و در تیرماه همان سال زندگی مخفی خود را آغاز کرد . در ۱۸ شهریور ۱۳۵۰ ضمن درگیری در خانه سازمانی کوی کن با ایجاد سد آتش در مقابل دشمن فرار سه تن از یارانش (از جمله شاهرخ هدایتی و فرخ سپهری) را تسهیل کرد و خود به دام پلیس افتاد . در بیمارستان ارتش چندین بار بچه ها پیش ربه قصد خودکشی پاره کرد ولی موفق نشد . مزدوران ساواک تا ۱۱ روز حتی نام او را نمی دانستند . در آذرماه پس از تحمل شکنجه های بسیار در زیر شکنجه به شهادت رسید . در دی ماه ۵۰ ساواک با تحریف حقایق شهادت او را در یک درگیری اعلام کرد .

رفیق شهید حسن فرجودی در شهر لنگرود به دنیا آمد . رفیق حسن در دوران تحصیل در دبیرستان همواره با ماطالعنه

سد . پس از پایان تحصیلات ابتدائی و متوسطه در همان شهر ، وارد دانشکده کشاورزی کرج شد . با پایان دانشکده برای خدمت سربازی به تربت جام رفت . در تاریخ ۲۸ شهریور ۵۲ در محل خدمتش دستگیر شد و دو سال در زندان بود . پس از آزادی در شرکت ایلانکر به کار مشغول شد . در تاریخ ۲۳ آذرماه ۵۵ دستگیر شد و مزدوران ساواک که موفق به کشف ارتباط او با سازمان نشده بودند این فدائی راستین خلق را در زیر شکنجه به شهادت رساندند .
یادش گرامی باد

رفیق شهید ابوالقاسم نیکجه همدانیان .

در سال ۱۳۲۹ در یکی از محلات فقیر نشین به دنیا آمد . پدرش نجار بود . او در کودکی کار ، فقر و بی عدالتی های نظام طبقاتی را تجربه کرد و این همه اثری سازنده در روحش به جای گذاشت . پس از گرفتن دیپلم در دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز پذیرفته شد . در دانشگاه با

شرکت فعال در مبارزات سیاسی - صنفی دانشجویان چهره ای مشخص پیدا کرد و در پی همین فعالیت ها بود که به سرکازی ف ستاده شد . پس از پایان سربازی به دانشگاه بازگشت . در انتخابات شرکت های تعاونی دانشجویان یکی از اعضای هیئت مدیره بود . پس از تحریک امتحانات سال ۵۵ تصمیم گرفت که دیگر به درس ادامه ندهد و در جنوب به کار لوله کشی و جوشکاری پرداخت . این کاری بود که قبلاً هم تابستان ها برای کمک به وضع مالی خانواده اش انجام می داد . سرانجام به سازمان چریک های فدائی خلق پیوست و پس از یک سال و نیم زندگی مخفی در ۱۸ آذر ۵۷ در یک برخورد مسلحانه در جاده خرم آباد - به جرد به شهادت رسید . خون فاسم به خون دیگر شهدا پیوست . روزی سیلاب این خون امپریالیسم را نابود خواهد کرد .
یاد او گرامی می داریم

رفیق شهید زهرا آقایی قلهک در سال ۱۳۳۲ در قریه اوین تهران متولد شد . بارفوق هم رزمش زهره مدیر خانه چپی همکلاس بود و تحصیلات دبستان و دبیرستان را با فعالیت های سیاسی - صنفی به پایان برد . در ۱۳۵۲ بارفوق فدائوسی شهاب الدین رضوی از دواج کرد . با گسترش فعالیت ها بیشتر در تابستان همان سال مخفی شد . رفیق زهرا مدارج سازمانی را به سرعت طی کرد . در شاخه شمال در کنار رفیق بهمن روحانی آهنگران مبارزه می کرد . در عملیاتی چون اعدام انقلابی عباس شهریاری " مرد هزار چهره ساواک " و انفجار پاسگاه زاندارمری سلیمانیه شرکت داشت در زمستان ۱۳۵۴ در حمله ساواک به بابل دستگیر شد و ۱۱ ماه بعد پس از شکنجه های شدید به دست دژخیمان ساواک در ۲۹ آذر ۵۵ تیرباران شد .
یادش گرامی باد

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

اتحاد و مبارزه کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان آذربایجان...

کهنه کار جبهه ملی، روحانیون و سرمایه داران لیبرال (غیبر انحصاری) که حاکمیت اقتصادی و سیاسی جناح انحصاری سرمایه داری وابسته مانع رشد و افزایش سریع سرمایه آنان بوده و عملاً آنها را در کنار کود سیاست نگه داشته بود در حالی که به شدت از وضع پیش آمده، یعنی رشد جنبش انقلابی زحمتکشان ایران، به هراس افتاده بودند، پشت سر هم به شاه نصیحت می کردند "دمکراسی" بدهدن نظام سلطنت، نظام شاهنشاهی، نظام سرمایه داری حفظ شود.

در آن روزها آیت الله شریعتمداری جزو همین جناح بود. در تمام طول سالهای سیاه حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم شاه آیت الله شریعتمداری هیچگاه در کنار مردم در کنار زحمتکشان نبوده، بلکه همواره مورد احترام رژیم وابسته به امپریالیسم بوده است. در آن زمان نیز ایشان در حالی که خود را طرفدار مردم نشان می دادند، در حالی که به ظاهر خود را آزادی خواه نشان می دادند عملاً از شاه تقاضا داشتند که "قانون اساسی شاهنشاهی" را درست اجرا نمایند. وی با قانون اساسی شاهنشاهی موافق بود و علت مخالفتش با شاه این بود که چرا این قانون درست اجرا نمی شود.

آیت الله شریعتمداری در آن روزها دست در دست سیاست بازان ساخته شده ای چون سنجابی و بازرگان نالغی کرد "شاه باید سلطنت کند نه حکومت" چنان وانمود می کرد که این سیاست عاقلانه ترین سیاسی است که باید در مقابل شاه اتحاد گردد. آیت الله شریعتمداری در آن روزها تمام سعی خود را بر این گذاشته بود تا محور مخالفت مردم را حول اجرای صحیح قانون اساسی شاهنشاهی "حول محدود شدن حیطه فعالیت و قدرت شاه، حول اصلاحات حزبی سیاسی و اقتصادی مردم قرب محدود نماید، او در چارچوب نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم خواهان اهدای عطایای بلوکاسه به زحمتکشان بود.

این موضع آیت الله شریعتمداری با موضع قاطع آیت الله خمینی در رابطه با سرکوبی قطعی شاه و سلطنت در تضاد آشکار بود. این تضاد که نمی توانست پوشیده بماند بیایگر دو موضع متفاوت از دو جناح از روحانیت در برابر رژیم وابسته به امپریالیسم شاه بود.

فرار شاه و روزهای نزدیک به قیام از آنجا که آیت الله شریعتمداری کار رژیم را تمام شده تلقی می کرد، در حالی که از این وضع متأسر بودند، از مردم می خواستند که آرامش خود را حفظ نموده، به ارتش و شهرتانی حمله نکنند. ایشان در آن روزها طی اعلامیه های مکرر هرگونه دخالت مستقیم

توده ها را در مجازات مأموران ساواک منع کرده و با ضد انقلابی قلمداد کردن اینگونه حرکات مانع گسترش و هر چه عمیق تر شدن جنبش و دخالت مستقیم توده ها در اداره انقلابی امور و به معازات رساندن مأموران سرسپرده امپریالیسم شدند.

جناح لیبرال ها که مخالف حاکمیت روحانیت جناح آیت الله خمینی و دخالت آنها در امور اقتصادی-سیاسی، نظامی کشور بودند، به اعتبار منافع مشترکشان با جناح آیت الله شریعتمداری عملاً به دور او حلقه زدند. در همان ماه های اول بعد از قیام آیت الله شریعتمداری نیز برای متشکل کردن هواداران خود دستور تاسیس حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران را به هوادارانش صادر کرد. حزب مزبور از همان آغاز کار خود با موضعگیری های به ظاهر رادیکال با دفاع از آزادی های سیاسی سعی کرد که نیروهای مخالف هیئت حاکمه را جذب خود نماید. این حزب سبک کار خود را ماهرانه به نحوی انتخاب نمود که بتواند با انگشت گذاشتن روی نارسائی ها و ضعف های حاکمیت و با دفاع از آزادی های سیاسی و عوام فریبانه خود را در صنف نیروهای واقعا انقلابی جا بزند.

در مقطع اوج گیری مبارزه ضد امپریالیستی زحمتکشان، در مقطعی که سفارت امریکا اشغال می گردد و آیت الله خمینی بر سر استرداد شاه از امریکا و محاکمه و مجازات او اصرار می ورزد، از آیت الله شریعتمداری و حزب او و هوادارانش هیچ اثر و نقشی دیده نمی شود.

آیت الله شریعتمداری حزب او و سرمایه داران هوادارانش از آنجا که در مبارزه علیه امپریالیسم مشتشان خالی بود از آنجا که نه دشمن امپریالیسم بلکه از دوستانشان به شمار می آیند، از آنجا که نمی خواهند نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم سرنگون گردد نمی توانستند و نمی خواستند که در این مبارزات جانب توده ها را بگیرند.

هدف آیت الله شریعتمداری از انتقاد به ماده ۱۱۰ قانون اساسی که ولایت فقه را رسمیت داده است نه به دلیل این که این قانون اراده توده ها، اراده و شوراها کارگران، دهقانان، و سربازان را نادیده گرفته و زیر پا می گذارد بلکه از این موضع است که چرا اراده سرمایه داران لیبرال یعنی سهم این جناح در حاکمیت بورژوازی (به ظاهر می گویند حاکمیت ملی) را نادیده گرفته است.

آیت الله شریعتمداری، حزب او و سرمایه داران هوادارانش از این می ترسند که با شرایطی فراهم آید که مبادا آنان از قدرت سیاسی به دور نگه داشته شوند. از این رو آنان در روزهای اخیر که روزهای رای گیری

قانون اساسی بود، فرصت را برای اعمال نظریات خود مناسب تشخیص داده با هوجبی گری و با تحریک احساسات پاک مذهبی مردم آنها را دعوت به تظاهرات میتینگ و راهپیمائی نمودند. حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان، همراه با حزب شاهپور بختیار خائن (حزب ایران) با دعوت به راهپیمائی روز پنجشنبه ۱۵ آذر ماه مقدمات این عمل که مقارن با درگیری نیروهای مسلح این دو جناح از روحانیت در اطراف منزل آیت الله شریعتمداری در قم است، مناسب ترین وسیله تبلیغی و تهیهی رایج دست حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان می دهد تا با هوجبگری و تحریک عواطف مردم ناآگاه آنان را علیه روحانیت حاکم بسیج کرده و به دنبال اهداف پلید خود بکشاند.

کارگران، دهقانان و زحمتکشان آذربایجان اینک که مبارزه ضد امپریالیستی رنجبران میهن ما اوج تازه ای گرفته است اینک که فریاد "مرگ بر امپریالیسم" کارگران، دهقانان و زحمتکشان فضای شهرها، خیابان ها و کوچه ها را پر کرده است. اینک که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا از مبارزه قاطعانه توده ها علیه خود به وحشت مرگ افتاده، در این شرایط که نیروهای انقلابی تلاش می کنند تا مبارزه ضد امپریالیستی توده ها با اقدامات سریع و قاطع علیه امپریالیسم به نتایج انقلابی خود دست یابد و پایه های وابستگی اقتصادی سیاسی، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم جهان خوار امریکا نابود گردد. اینک که نیروهای انقلابی در راه فراهم آوردن شرایط دمکراتیک مبارزه می کنند تا قادر به بسیج کارگران و زحمتکشان از طریق دادن آگاهی علمی و انقلابی به آنان شوند.

جناح های مختلف روحانیت با درپیش گرفتن سیاست های جاه طلبانه و مرتجعانه خود و با سوء استفاده از نیروی لایزال توده ها، مبارزه ضد امپریالیستی آنان را به انحراف کشیده و آن را به عنوان وسیله ای در خدمت قدرت طلبی های خود قرار داده اند. زحمتکشان قهرمان ایران و مخصوصاً در این شرایط خاص کارگران، دهقانان و زحمتکشان آذربایجان باید با عدم حمایت خود، با عدم شرکت در تظاهرات و راهپیمائی اعلام شده از جانب آنان، صفوف خود را مستقل و جدانگه دارند. زیرا زحمتکشان باید در صنفی متشکل گردند و به دنبال شعارهایی حرکت نمایند که از جانب سازمان های واقعا انقلابی طرفدار طبقه کارگر داده شده و به دنبال شعارهایی که منافع واقعی آنان را در بر

می گیرد حرکت نمایند. هواداران سازمان، روشنفکران انقلابی هوادار طبقه کارگر، شما باید از هرگونه شوکت در تظاهرات و راهپیمائی و میتینگ های لیبرال ها خودداری نمائید. در هر جا که هستیید، در کارخانه و کارگاه، در شهر و روستا در مدرسه و دانشگاه، در کلیسه اماکن عمومی و خصوصی از طریق صحبت و گفتگو با مردم، ماهیت درگیری های فوق رایج آنان توضیح دهید. اهداف طبقه کارگر در انقلاب را ترویج و تبلیغ نمائید.

متن اعلامیه های که سازمان چریک های فدائی خلق ایران شاخه آذربایجان روز پنجشنبه ۱۵ آذر ماه منتشر کرد نقل از فوق العاده نشریه راه ۱۶ آذر ماه

راهپیمائی پنجشنبه ۱۵ آذر ماه تبریز را تحریم میکنیم

تحریم میکنیم

کذائی خبرگان پرنماید، با آن که از شرکت در رای گیری قانون اساسی خود داری کرده و از زحمتکشان ایران خواستیم که در رای گیری شرکت نمایند، علیرغم تمامی مسائل پیاد شده از آنجا که دعوت کنندگان راهپیمائی روز پنجشنبه ۱۵ آذر خود مدافع سرمایه داران بزرگ و وابسته به امپریالیسم هستند و فرصت طلبانه می خواهند مردم را به دنبال خود بکشانند تا اهداف پلید و صدبار ارتجاعی تر از مفاد مرتجعانه قانون اساسی را به تصویب برسانند، این راهپیمائی را که صرفاً در خدمت امپریالیسم و وابستگی است، تحریم می کنیم و از تمامی خلق زحمتکش آذربایجان می خواهیم که با تحریم انقلابی خود، طرفداران شاهپور بختیار این سگ زنجیری امپریالیسم آمریکا و مرتجعان فرصت طلب مدافع سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را افشا کنند.

سازمان چریک های فدائی خلق ایران - شاخه آذربایجان ۱۵ آذر ۵۸

خلق قهرمان آذربایجان عده ای با امضاهای گوناگون از قبیل حزب ایران (حزب شاهپور بختیار خائن) و ... طی تراکت ها و اعلامیه های گوناگون مردم تبریز را به راهپیمائی علیه قانون اساسی تدوین شده در مجلس خبرگان دعوت کرده اند. آنها به این دلیل که قانون اساسی "حاکمیت ملی" را نادیده گرفته است و به این بهانه که چون تلویزیون، نظرات آیت الله شریعتمداری را نشان نداده، مردم را در روز پنجشنبه ۱۵ آذر ۵۸ به راهپیمائی اعتراضی دعوت نموده اند. ماضی آن که بارها اعلام کرده ایم که قانون اساسی مصوبه مجلس خبرگان نقض آشکار حقوق کارگران، دهقانان، خلق ها، زنان و ... است، با آن که اعلام کرده ایم که مجلس خبرگان صلاحیت تدوین قانون اساسی را نداشته و هیئت حاکمه حق نداشت مجلس موسسان، مجلس شوراهای کارگران، دهقانان و سربازان را منحل و جای آن را با مجلسی

اعتراض پرسنل انقلابی ارتش

۳- افشای چند عنصر ضد انقلابی و ضد خلق مانند استوار فاضلی - استوار امیریان و سروان توسل نیا که در گذشته از مزدوران ضد اطلاعات بوده و اکنون خود را سخت طرفدار اسلام معرفی نموده و با شرکت در کشتار خلق کرد می کوشند و فاداری خود را به جمهوری اسلامی نشان دهند. نظامیان خواستار اخراج این مزدوران هستند.

۴- ضرورت رسیدگی به وضع سربازان و توجه به حقوق ماهانه آنها.

در همان اجتماع در مورد تعطیل پنجشنبه فرمانده پادگان اجباراً موافقت می کند اما از برآورده شدن خواست های دیگر فعلاً خبری نیست.

روز چهارشنبه ۱۶ آبان ماه گروهی از افسران و درجه داران و سربازان پادگان تپ یک زرهی اسلام آباد (شاه آباد غرب) در ساعت ۷ شب اقدام به یک راهپیمائی اعتراضی نمودند. این راهپیمائی از محل گردان ۱۳۲ شروع و به طرف ستاد ادامه یافت. در مسیر پرسنل دیگر پادگان به آنها ملحق شدند. راهپیمایان معترض در مقابل دفتر فرماندهی مستقر شده مسائل و خواست های صنفی - سیاسی خویش را شرح زیر اعلام می دارند.

۱- لزوم تعطیل پنجشنبه ۲- اعلام اعتراض نسبت به اعزامشان به کردستان و اعلام این که حاضرین کشیدن اسلحه بر روی برادران کرد خود نیستند.

نیاید بیاد توطئه سازشکاران و فرصت طلبان



وقایع اخیر تبریز و نقشه های ضد انقلابی سرمایه داران

امپریالیسم آمریکا و طبقه سرمایه دار از حزب جمهوری خلق مسلمان پشتیبانی می کنند

خلق های مبارز ایران!

اما بدون تردید مردم آگاه ما می دانند خشم و نفرت انقلابی توده ها از سیاست های ارتجاعی، هیچ ربطی به مخالفت های فریبکارانه و ضد انقلابی لیبرال ها ندارد. مردم ایران بدانند هر کس که به هر دلیل و بهانه ای ارتجاعی را در تلاش های این محافل سرمایه داری حمایت کند، یا این توطئه را مبارزه "آزادی خواهانه" جلوه دهد، یا نقشه های لیبرال ها را "سوء تفاهم" بنامد، دانسته یا ندانسته در خدمت امپریالیسم آمریکا در آمده و در جهت منافع آن گام برمی دارد. ما تا کید می کنیم سیاستی که می گوید همه کسانی که خود را طرفدار اسلام می دانند، زیر یک پرچم گرد هم آورده و همه آنان را ضد امپریالیسم و طرفدار مردم جلوه دهد، تاکنون ضربات سنگینی به مبارزات مردم ما و وحدت صفوف آنان وارد آورده است. این ادعا که هر کس از اسلام طرفداری کرد، دشمن امپریالیسم آمریکا است، یا همه روحانیون، چه آنها که با امپریالیسم مبارزه می کنند و چه آنها که از سرمایه داری دفاع می کنند، همگی دلسوز مردمند، زمین را برای غوا مفریبی دستان امپریالیسم و مدافعان رژیم منحط سرمایه داری فراهم آورده و به آنها مکان داده است که خود را طرفدار مردم جا بزنند.

تنها آنان که علیه امپریالیسم مبارزه می کنند، تنها آنان که در اندیشه بنای ایرانی آزاد و دمکراتیک هستند، تنها آنان که دشمن امپریالیسم و دشمن سرمایه داری وابسته هستند، دوست و دلسوز مردمند نه کسانی که با هزاران رشته به امپریالیسم وابسته اند و امروز بنا به مصلحت نقاب اسلام خواهی و آزادی خواهی بر چهره زدمانند و از عواطف و احساسات و خواسته های حقه مردم به نفع تحکیم سلطه سرمایه داران بهره برداری می کنند. علیرغم سازشکاری ها و پیردهوشی هایی که می شود، چون روز روشن است تلاش لیبرال ها برای "سوء تفاهم" نیست، بلکه تلاشی است ضد مردمی که از جانب طبقه سرمایه دار ایران و امپریالیست های حامی آن صورت می گیرد و هدف آن تحکیم سلطه سرمایه داری وابسته است و همانطور که اوضاع و احوال نشان می دهد هر روز با فاع گسترده تری می یابد.

مردم آگاه و مبارز ایران!

امروز که پیکار بزرگ و سهمگین خلق ما علیه امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته به آن ابعاد تازه ای یافته است، بر عهده تمام انقلابیون و نیروهای سیاسی مترقی و ضد امپریالیست است که با تحکیم صفوف خود و طرفداری از احزاب و محافل مدافع سرمایه داری وابسته، پیکار طبقاتی توده های میلیونی میهن را عمق بخشند و اجازه ندهند هدف های این محافل جامعه عمل پوشد.

اتحاد عمل آگاهانه و همکاری و همگامی انقلابیون کمونیست و سایر نیروهای مترقی و ضد امپریالیست ضامن پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران است.

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران نابود باد جبهه فرصت طلبان و سازشکاران مسرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

سازمان چریک های فدائی خلق ایران
۱۸ آذر ماه ۵۸

مادر همین جا با صراحت تمام اعلام می کنیم که سیاست های کهنه پرستانه و تلاش های ضد دمکراتیک مجلس خبرگان با نقض آشکار اساسی ترین حقوق میلیون ها مردمی که برای نابودی سلطه امپریالیسم به پا خاسته اند، با پامال کردن حقوق خلق های تحت ستم میهن ما و نقض آشکار حاکمیت توده ها و تصویب ولایت فقیه آشکارا آب به آتش می آید. امپریالیسم و نوکرانش ریخته و مشخصا محافل شناخته شده و ناشناخته سرمایه داری را تقویت کرده است.

قشریون که با بهره برداری از شور ضد امپریالیستی و احساسات مذهبی توده ها، این قانون اساسی ارتجاعی را به مردم تحمیل کرده اند و همه کسانی که برای سیاست های ارتجاعی مهترانید می زنند، راه را هموار می کنند تا محافل سرمایه داری و امپریالیست ها نقاب آزادی خواهی به چهره زده و از خواسته های دمکراتیک و حقه مردم به نفع خود سود جوئی کنند احزاب و محافل مدافع سرمایه داری که طی ۲۵ سال دیکتاتور شاه جنایتکار، صم بکم خفقان گرفته و شب و روز بغارت دسترنج زحمتکشان مشغول بودند، تازه امروز "آزادی خواه" شده و سنگ مردم را به سینه می زنند.

مردم ایران بدانند که این محافل هیچ قصدی جز کند کردن لبه تیز حمله توده ها علیه امپریالیسم آمریکا و نجات سرمایه داری ایران ندارند. اینها وقتی دیده اند که مردم علیه امپریالیسم آمریکا و غارتگری طبقه سرمایه داری به پا خاسته اند، هراسان شده و با استفاده از هر فرصتی می کوشند تا آمریکا و نوکرانش نفس تازه کنند و از سلطه جهنمی خود را بر خلق های دلبر روز منده مان تحکیم بخشند. این ها همان هایی هستند که تا دیروز می گفتند: "شاه باید سلطنت کند، نه حکومت" اینها همان کسانی هستند که وقتی دیدند خشم میلیون ها مردم را بر جرکشیده ایران پایه های رژیم شاهنشاهی را به لرزه در آورده است، گفتند: "اعلیحضرت دیگر خسته و فرسوده شده اند، بهتر است جای خود را به ولیعهد تازه نفس بدهند."

خلق های مبارز ایران!

امروز بیش از هر زمان دیگر باید هوشیار بود که خواست های دمکراتیک توده ها مورد بهره برداری سرمایه داران لیبرال و همدستان دیروزین رژیم شاه قرار نگیرد. باید فاطمانه این توطئه ها و نقشه های شوم محافل سرمایه داری و وابسته به امپریالیسم را افشا و خنثی کنیم و فرصت ندهیم این عوامل سرمایه داران لیبرال از مبارزات حق طلبانه مردم به نفع خود استفاده کنند. ما نسبت به گسترش این توطئه ها به خلق قهرمان میهن هشدار می دهیم. هدف این توطئه ها منحرف کردن جهت اصلی مبارزات خلق های قهرمان ایران علیه امپریالیسم آمریکا و تخفیف کینه طبقاتی کارگران و زحمتکشان از طبقه سرمایه دار و نظام سرمایه داری است.

هم میهنان مبارز!

دروغ پردازی، عوام فریبی و سیاست های ضد مردمی دستگاه تلویزیون نیز که در جریان وقایع گنبد، در جریان ربودن فرزندان آیت اله الطالقانی، در تبلیغات مسموم کننده علیه خلق کرد و بسیاری از موارد دیگر شاهد بودیم، مورد خشم و نفرت مردم آگاه ایران است. لیبرال ها که از خشم و نفرت توده ها علیه سیاست های تبلیغاتی ضد مردمی تلویزیون اطلاع دارند، اینک می کوشند از این خشم و نفرت تیز به سود منافع خود بهره برداری کنند.

کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان آذربایجان که با قیام قهرمانانه مردم تبریز علیه رژیم شاه جنایتکار در پیشاپیش توده های انقلابی ایران به حرکت درآمدند، امروز مثل همه مردم میهن ما خواستار آنند که خواسته های عادلانه شان تحقق یابد. آنها خواستار ایجاد شوراهای واقعی، ایجاد کار و تضمین حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی هستند. آنها می خواهند زمین آن کشاورزان باشد که روی آن کار می کنند، آنها می خواهند همه مظاهر ستم و استثمار سرمایه داری و ارتجاعی را نابود کنند و این همه در قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان یادید گرفته شده است.

سازمان چریک های فدائی خلق ایران، در دفاع از حقوق دمکراتیک مردم، در بیانیه ۸ آذر در باره فرماندم قانون اساسی مخالفت خود را با مجلس خبرگان که به جای مجلس موسسان تشکیل شد، اعلام داشته و محتوای قانون اساسی خبرگان را ارتجاعی و مخالف منافع مردم دانسته است. سازمان ما که در سخت ترین شرایط طی ۹ سال پیکار بی امان علیه دیکتاتور شاه و سلطه امپریالیسم و بانثار خون صدها شهید از منافع خلق زحمتکش دفاع کرده و در راه زهائستی توده ها از هیچ گونه فداکاری دریغ نورزیده است، از تأیید این قانون اساسی و صحنه گذاشتن بر هر آنچه که معایر منافع توده ها است، فاطمانه خود داری کرده است.

خلق های مبارز ایران!

به دنبال وقایع روزهای اخیر و درگیری های اطراف خانه آیت اله شریعتی در قم و کشته شدن یکی از پاسداران در جریان آن، اقداماتی توسط حزب جمهوری خلق مسلمان تدارک دیده شد و مورد تأیید جبهه ملی و دیگر شرکای آن قرار گرفت. اقدامات و نقشه های این احزاب و محافل عمدتاً زیر نقاب آزادی خواهی و مخالفت با قانون اساسی صورت می گیرد و از جانب محافل وابسته به طبقه سرمایه دار ایران، این پایگاه اصلی امپریالیسم آمریکا در میهن ما پشتیبانی و تقویت می شود. اقدامات این احزاب از جانب محافل وابسته به امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا که دشمن اصلی خلق های ما است، با خوشحالی تمام استقبال و حمایت شده و تبلیغات رادیویی بی سی و شبکه های تلویزیونی آمریکا در روزهای اخیر خود بهترین نشانه چنین حمایتی است.

باند های جنایتکار دست پرورده امپریالیسم آمریکا در ارتش، در نیروی هوایی، نیروی زمینی و نیروی دریایی از این احزاب و محافل پشتیبانی کردند. سران جنایتکار ارتش که در جریان قیام بهمن ماه برای حفظ ارتش ضد خلقی و از ترس انتقام توده ها به دستور امپریالیسم آمریکا و مطابق نقشه حساب شده هویزر - بازرگان - بهشتی - قره باغی چهره عوض کرده و نام "اسلامی" روی خود نهاده اند، اینک دوباره به تکاپو افتاده و پیغام ها و پیغام های آشکار و پنهان خود را به گوش گردانندگان پشت پرده این احزاب و محافل می رسانند و آمادگی خود را برای اجرای توطئه های شوم ابرار می دارند.

شاپور بختیار، این نوکر بی اختیار امپریالیسم آمریکا و کارگزار برویخته شاه جنایتکار، کسی که توسط همین آقای بازرگان و شرکاء از مبارزات فرار داده شد، در لندن و پاریس مشغول جلب حمایت امپریالیست ها و جمع آوری منابع مالی و مادی برای احزاب و سازمان های وابسته به سرمایه داری و سازماندهی توطئه های آنان علیه خلق های میهن ما است.

اقدام انقلابی دهقانان

"گل تپه" مراغه

دهقانان روستای "گل تپه" مراغه زمین های مالک را بیس خودشان تقسیم کردند. در تاریخ ۱۰ آبان دهقانان روستای "گل تپه" زمین های "حاجی کنبچی" یکی از تجار تبریز را مصادره و بین خود تقسیم کردند. دهقانان این منطقه اکثر بر اثر بیکاری آواره شهرها و مسرک شده اند. اهالی ده بارها مالک خواسته بودند زمین ها را به آنها بفروشد ولی مالک حاضر نشده بود. به همین جهت زحمتکشان خود مستقلاً دست به مصادره زمین هازدند.

کانون زنان شرکت حفاری سد ایران، کارکنان مبارز صنعت نفت اهواز، کارکنان اداره برنامه ریزی، گروهی از کارکنان ساختمان بهره برداری، دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر، اکثریت کارکنان اداره فرآوری و گسترش پروژه های خاص، انجمن اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز، کانون زنان مجتمع فولاد اهواز، کارکنان اداره حفاری ملی نفت ایران - اهواز، شورای کارگاهی بهره برداری شماره ۲ اهواز، کارگران پیشرو صنعت نفت - مناطق نفت خیز.

اعتصاب و تحصن گروهی از کارآموزان شرکت نفت

با این گروه داشت نه تنها عوامل شستی در جهت سر آوردن خواست های کارآموزان انجام نداده است بلکه قصد بهره رزدن تحصن و اتحاد آنها را نیز داشت. اتحاد و تحصن کارآموزان را سازمان ها و گروه های بسیاری پشتیبانی کردند از جمله گروهی از کارکنان شرکت ملی نفت. کارگران مبارز صنعت نفت اهواز گروهی از زنان شاغل صنعت نفت، سازمان دانشجویان پیشگام اهواز، کارکنان اداره تلگراف خانه، زمین شناسان شرکت نفت اهواز، کارکنان پیشرو صنایع فولاد،

آقای معین فرمینی بر اخراج این ۴۰ نفر صادر کردید. آنها بعد از این که از این خبر مطلع شدند در ساختمان مرکزی دست به تحصن زدند. بعد از گذشت چند روز از تحصن با شور انماش گرفته و با چند تن از نمایندگان نزد مسئولین رفتند ولی جواب های سر بالا شنیدند. مثلاً آقای رفیعی رئیس کل منطقه به آنها گفته است: "آقای معین فر از تحصن و اعتصاب هیچ هراسی ندارد. حتی اگر تمام کارکنان دست از کار بکشند انجمن اسلامی هم طی تماسی که

چهل نفر از کارآموزان شرکت نفت که در خرداد ۵۷ بعد از گذراندن کلیه امتحانات مربوط به استخدام پذیرفته شده بودند، با اخراج دسته جمعی مواجهه شدند. کارآموزان تا تاریخ ۲ اردیبهشت به کار خود مشغول بودند که خبر اخراجشان رسید. آنها بعد از گذراندن یک اعتصاب خواسته های خود را به گوش نزیه مدیر عامل شرکت نفت رسانند که با موافقت نزیه مینی بر پذیرش چند مورد از خواسته های اعتصاب خود پایان دادند. در روز ۲۱ مهرماه دستوری از طرف

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و وابستگانش

جاسوسان ارتش در خدمت تصفیه نیروهای آگاه و مبارز در آموزش و پرورش



روز ۱۶ آذر، سالروز شهادت شهید ترشوی، بزرگداشت و قندچی به دعوت سازمان دانشجویان پیشگام، دهها هزار تن در دانشگاه صنعتی پلی تکنیک گردآمدند، شرکت کنندگان در این مراسم ضمن گرامی داشت خاطره شهدای ۱۶ آذر و همه شهدای خلق، آمادگی خود را برای مقابله با تهدیدات و تجاوزات امپریالیسم امریکا اعلام داشتند. در این مراسم پیام‌های پشتیبانی زیادی خوانده شد و در پایان شرکت کنندگان در صوفی فشرده در حالی که علی‌امپریالیسم امریکا شعار می‌دادند، بسوی مرکز جاسوسی امریکا راه افتادند.

راهپیمائی پس از قرائت قطعنامه سازمان دانشجویان پیشگام خاتمه یافت.

در امریهای که فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی به پیروی از ستاد مشترک ارتش خطاب به یگان‌های تابعه زاندار مری صادر کرده است از مسئولین یگان‌ها خواسته می‌شود که پرسنل زیر دست خود را تشویق به ایجاد شبکه‌های جاسوسی علیه نیروهای مبارز در آموزش و پرورش به ویژه آموزگاران نمایند. در این عمل ضد مردمی به افسران "مورد اعتماد" توصیه می‌شود از فرزندان خردسال خویش به عنوان جاسوسک‌های این شبکه‌ها استفاده کنند. در

اعلامیه مذکور که در رده "محرمانه" - بکلی سری" رده بندی شده است رهنمودهای مورد نیاز این شبکه‌های جاسوسی آمده است. مابادرج این سند افشاگرانه خلق ایران و نیروهای آگاه و مبارز را در جریان یکی دیگر از توطئه‌های پلیدی که نشانگر ماهیت ضد مردمی ارتش و نیروهای مشابه آن است قرار می‌دهیم. باشد تا از راه افشاکری علیه این نهادهای ضد خلقی توطئه‌هایی را که علیه نیروهای انقلابی چیده می‌شود خنثی کنیم.

روزنامه ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران حاکی از این است که تمام سازمانهای زیرین، همگی ملحق به جاسوسی علیه نیروهای مبارز در آموزش و پرورش می‌شوند. این اقدامات در راستای اهداف ارتش است.

بر اساس اعلامیه مذکور، پرسنل ارتش موظفند با ایجاد شبکه‌های جاسوسی علیه نیروهای مبارز در آموزش و پرورش، به ویژه آموزگاران، در عمل ضد مردمی شرکت کنند. این اقدامات در راستای اهداف ارتش است.

این اقدامات در راستای اهداف ارتش است.

گرامی باد خاطره همه شهدای بخون خفته خلق



فدائی شهید رفیق
سیروس سپهری

رفیق شهید سیروس سپهری در سال ۱۳۲۶ در شهرستان بابل متولد شد. پس از تحصیلات دبیرستانی در سال ۱۳۴۵ وارد دانشکده کشاورزی شد. یک بار در اسفند ۱۳۴۶ بازداشت شد، سپس به سربازی رفت. پس از پایان تحصیلات دانشگاهی در بقیه در صفحه ۹

فدائی شهید رفیق
زهرا آقابنی قلهکی

فدائی شهید رفیق
پرویز نصیر مسلم

پیام هیئت نمایندگی خلق کرد به کنگره شوراهای روستائی ترکمن صحرا

مستحکم باد پیوند مبارزاتی خلقهای ایران

خلق مبارز ترکمن در این لحظات حساس تاریخ مبارزات خلقهای ایران، خلق کرد به مثابه پرچمدار مبارزه در راه استقرار خود مختاری بر این عقیده است، حل مسأله ملی در کردستان تنها در پیوند با تائین خواست‌های زحمتکشان و دیگر خلقهای ایران امکان پذیر است. خلقهای کرد، عرب، ترکمن، بلوچ و ترک هر چند ویژگی‌های خاص خود را دارند، لیکن سنت‌های ملی و طبقاتی و وجود دشمن مشترک که همانا امپریالیسم جهانی و ارتجاع

داخلی است حیات سیاسی و اجتماعی آنها را چنان به هم گره زده است که تائین حقوق ملی هر یک از این خلق‌ها جدا از دیگران امکان پذیر نیست.

در این میان خلق مبارز ترکمن که هم بار ستم ملی را به دوش می‌کشد و هم سالیان دراز به وسیله زمین‌داران بزرگ استثمار شده است با تشکل چشمگیر خود در صف مبارزات خلقهای ایران جای خاصی پیدا کرده است. مبارزه علیه زمینداران، ارتجاع داخلی و امپریالیسم تعهد تاریخی سنگینی را به عهده این خلق مبارز می‌گذارد.

توضیح درباره کمکهای مالی

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران همواره تشنه حمایت مردم قهرمان ایران تکیه داشته و امروز هم مانند همیشه متکی بر پشتیبانی هواداران است.

کمک‌های مالی خود را از هر طریق که می‌شناسید و مطمئن دارید به دست رفقای سازمان برسانید، از آنجا که نمونه‌هایی دیده شده است که عده‌ای با مقاصد مختلف با استفاده از نام سازمان به جمع‌آوری کمک‌های مالی میبادرت کرده‌اند، به دوستان و رفقای توصیه می‌کنیم برای اطمینان از دریافت کمک‌هایشان توسط سازمان به رابطه دریافت کننده پول یک عدد سرفرمی هم که خود شما انتخاب کرده‌اید، همراه با حرف اول نام خود به عنوان "کد" بدهید.

سازمان "کد" مورد انتخاب شما را با رقم مبلغی (به ریال) که به سازمان پرداخته‌اید جمع کرده و با حرف اول نام شما در نشریه کار به چاپ می‌رساند و به این ترتیب شما اطمینان خواهید یافت که کمک مالی شما به سازمان رسیده است. لازم به تذکر است که این رابطه به هیچ وجه ضمانت تشکیلاتی نداشته و هرگز نمی‌تواند رابطه سیاسی - تشکیلاتی تلقی شود. ما زهم میهنان مبارز می‌خواهیم با دقت کافی نسبت به این مسئله مانع از سوء استفاده عناصر فرصت طلب شوند.

پیش‌بینی تشکیل حزب طبقه کارگر